



ادیب روزنامه نگار کندو کاو در روزنامه ادب مشهد

ابراهیم حافظی^۱

چکیده

روزنامه نگاری مشهد بسیار دیرتر از برخی شهرهای بزرگ، در سال ۱۳۱۸ ق. با انتشار روزنامه ادب توسط ادیب الممالک فراهانی آغاز شد. ادب از آن جهت که نخستین روزنامه مشهد و اثر یکی از روزنامه نگاران و شاعران به نام کشور است از اهمیت بالایی برخوردار است و ضرورت دارد نقش آن در روزنامه نگاری این خطه به طور دقیق بررسی شود.

هدف: این تحقیق قصد دارد روند روزنامه نگاری ادیب الممالک فراهانی را تشریح و به ساختار شکلی و محتوایی روزنامه ادب مشهد پرداخته و تاثیر آن را بر افکار عمومی بررسی کند.

روش و رویکرد پژوهش: این مقاله با روش کتابخانه‌ای که به بررسی تحلیلی و محتوایی روزنامه ادب مشهد می‌پردازد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: در بررسی روزنامه مشخص شد که این روزنامه خارج از حیطه ادب سخن نگفته، مبلّغ شعر و شاعری و ادبیات بوده و به ترویج روزنامه خوانی، توسعه مدارس جدید، صنعت و میهن پرستی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: روزنامه ادب مشهد، ادیب الممالک فراهانی، روزنامه نگاری خراسان، ساختار روزنامه ادب

مقدمه

روزنامه نگاری یکی از مقوله‌های مهم تأثیرگذار بر اوضاع سیاسی، اجتماعی محسوب می‌شود. تهران و تبریز پیشگامان روزنامه نگاری فارسی هستند. مشهد به فاصله حدود نیم

۱. کارشناس ارشد کتابداری، کارشناس نمایه سازی مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

hafezi28@gmail.com

قرن بعد از اولین روزنامه رسمی ایران و بعد از شهرهای نام برده و حتی شیراز، اصفهان و بوشهر صاحب روزنامه شده است.

در ایجاد و ترویج روزنامه نگاری یک کشور یا یک شهر شرایط متفاوتی تاثیرگذار است. مسائل سیاسی و اجتماعی، درخواست حکومت و حضور روشن فکران سیاسی و فرهنگی را می توان از جمله عوامل تأسیس روزنامه تلقی نمود. مشهد قبل از مشروطه صحنه ناآرامی های بسیار بود، وجود دوازده حاکم در فاصله ۲۴ سال قبل از آغاز مشروطیت، نشان بی ثباتی اوضاع خراسان و در رأس آن مشهد است. در این بی ثباتی عواملی مانند دخالت کنسولگری های روس و انگلیس، ضعف حکومت مرکزی، اختلافات فکری، بلایای طبیعی مانند قحطی و بیماری ها دخیل بوده است (متولی حقیقی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۵).

روزنامه نگاری مشهد را نباید مرهون هیچ عمل یا عاملی جز شخص «ادیب الممالک فراهانی» دانست. ادیب که در تبریز روزنامه ادب را منتشر می کرد برای سفر راهی مشهد شد و سه سال در این شهر رحل اقامت گزید. در اولین اقدام، دوره جدید روزنامه ادب را در سن چهل سالگی منتشر کرد. ادیب از نظر شعر و شاعری یکی از شخصیت های برجسته بود که چکامه های بسیار می سرود که در نوشته های دیگران به شعرا و بسیار اشاره شده است. وی ۲۰ سال آخر عمرش را به روزنامه نگاری پرداخت که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ادیب با تمام ذوق و توانش، هر آن چه از شعر و ادبیات و روزنامه نگاری می دانست، جهت انتقال مضامین دینی، میهن پرستی، علم دوستی و فرهنگی برای عوام و خواص به کار گرفت و به موفقیت هایی در این زمینه نیز دست یافت. نام ادیب الممالک جزء روزنامه نگاران شهرهای تبریز، مشهد، تهران و بادکوبه قرار دارد و به زبان فارسی و ترکی روزنامه منتشر کرده است. در روزنامه های ادب، ایران سلطانی، ارشاد، مجلس، عراق عجم، آفتاب به عنوان صاحب امتیاز، مدیرمسئول یا سردبیر نامش دیده می شود.

شاید نتوان او را روزنامه نگاری طراز اول در میان هم عصرانش قلمداد نمود، اما روزنامه نگاری ادیب الممالک فراهانی مهم است و باید مورد کنکاش محققان قرار گیرد، چرا که نخستین شاعر روزنامه نگار است (ولایتی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). روزنامه نگارانی چون محمدصادق تبریزی و مجدالاسلام کرمانی با ادیب همکاری داشتند، که خود از سرآمدان مطبوعاتی ایران در سال های بعد شدند. روزنامه نگاری ادیب قابل احترام است، چرا که خود او با تمام شهرتی که در شعر و شاعری دارد، در زمینه روزنامه نگاریش با تواضع می نویسد: «این اوراق که از

ادارهٔ ما نشر و خارج می‌شود اسماً روزنامه است نه رسماً^۱. او اعتقاد دارد که: «ما فعلاً مشق روزنامه‌نویسی می‌کنیم و می‌خواهیم شما را به گرفتن روزنامه مأنوس کنیم تا کم‌کم به خواندن آن انس پیدا کنید» (ادب، س ۲، ش ۲۸).

تأثیر روزنامه‌نگاری ادیب‌الممالک بر شرایط شهرهایی که در آن جا روزنامه چاپ کرده، یکی از موضوعات مهم و نیازمند بررسی است. در این مقاله حضور او در مشهد و انتشار روزنامهٔ ادب بررسی شده است. این روزنامه در سه شهر تبریز، مشهد و تهران منتشر شده اما متمایز از هم بوده‌اند. در این مجال با بررسی شکلی و محتوایی روزنامهٔ ادب مشهد، نخستین گام روزنامه‌نگاری در این شهر تحلیل شده است. با توجه به حجم بسیار اطلاعات، تحلیل کلی از محتوا ارائه و به چند پرسش ذیل پاسخ داده خواهد شد: روزنامه‌نگاری ادیب‌الممالک فراهانی چه فرایندی سپری کرده است؟ روزنامهٔ ادب مشهد از چه ساختار شکلی برخوردار است؟ ساختار محتوایی روزنامهٔ ادب مشهد بر چه مبنایی شکل گرفته است؟ روزنامهٔ ادب مشهد چه تاثیری بر افکار عمومی داشته است؟

۱- روند روزنامه‌نگاری ادیب‌الممالک فراهانی

۱-۱- سرگذشت ادیب‌الممالک

او زادهٔ ۱۴ محرم ۱۲۷۷ (۱۱ مرداد ۱۲۳۹) در قریهٔ گازران از بلوک شرا از توابع سلطان‌آباد اراک است. مشهور به محمدصادق حسینی که پدر و مادرش هر دو از خاندان قائم‌مقام فراهانی بودند (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۵). نسبت محمدصادق با سه واسطه به میرزاعیسی معروف به میرزای بزرگ (قائم‌مقام اول) و به گفته‌ای با سی‌ونه واسطه به امام زین‌العابدین علیه السلام پیشوای چهارم شیعیان می‌رسد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۹). در نوجوانی به دلیل تعدیات بسیار ناصرالدوله حاکم اراک، که چشم طمع به املاک موروثی پدرش داشت، به اجبار همراه برادر بزرگ‌تراهی قم و از آن جا عازم تهران شد که پسر ابوالقاسم قائم‌مقام آنها را سرپناه داد و معاش مختصری برای آنها مقرر کرد (ولایتی، ۱۳۹۱: ۳۵).

آشنایی فراهانی با امیرنظام گروسی^۱ وزیر فواید عامه در هفده سالگی نقطهٔ عطفی در زندگی او بود. سروده‌اش در شکایت از روزگار و حضور او همراه امیرنظام در محضر شاهزاده

۱. از رجال مقتدر، مدبر، ادیب و خوشنویس عصرناصری و مظفری بود، در ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۲م به ریاست قشون و پیشکاری آذربایجان منصوب و چندی بعد لقب امیرنظام به او اعطا شد.

تهماسب میرزا مویدالدوله سبب شد نخستین جرقه‌های حضور او در میان بزرگان زمان کلید بخورد و اشعار و چکامه‌هایش پیش از بیش نقل محافل شود. به واسطه سروده‌های بسیارش در سال ۱۳۰۷ به دستور ناصرالدین شاه قاجار و به دست امیرنظام گروسی در تبریز خلعت امیرالشعرايي دریافت کرد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۸۴). و از آن پس به این لقب نیز شناخته می‌شد. محمدصادق دو بار ازدواج کرده است. ازدواج اول در ۲۱ سالگی و دومین ازدواج چهار سال بعد شکل گرفت. حاصل آن، چهار فرزند از همسر اول و یکی از همسر دوم است. همه فرزندان او فوت کردند.^۲

محمدصادق فراهانی سال ۱۲۹۷ ق. مدت کوتاهی در اصفهان ندیم صارم‌الدوله^۳ بوده است (وحید دستگردی، ۱۳۱۲: کا). پس از آن به تهران برگشت و به عنوان ملازم امیرنظام در سال ۱۳۰۷ ق. همراه او به تبریز رفت و تا سال ۱۳۰۹ که امیرنظام به تهران برگشت همراهش بود. در سال ۱۳۱۱ ق. پس از بازگشت از عراق دوباره در کرمانشاه به او پیوست (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲). در سال ۱۳۱۴ ق. امیرنظام مجدد به سمت پیشکاری آذربایجان منصوب شد و فراهانی همراه وی به تبریز رفت. در همین سال از سوی مظفرالدین شاه ملقب به ادیب‌الممالک شد. در سال ۱۳۱۶ ق. نایب رئیس مدرسه لقمانيه تبریز بوده و در همین سال برای اولین بار وارد عرصه روزنامه‌نگاری شد و انتشار روزنامه ادب را در این شهر آغاز کرد. وی دو سال در تبریز بود و پس از آن از راه قفقاز و با گذر از خوارزم و خیوه و عشق‌آباد، در مشهد اقامت جست (قاسمی، ۲۳: ۱۳۸۶). دوره جدید روزنامه ادب را از چهار رمضان ۱۳۱۸ ق. منتشر کرد که سه سال تداوم داشت. در سال ۱۳۲۱ ق. به دعوت مظفرالدین شاه به تهران رفت و دوره سوم روزنامه را در تهران به انتشار رساند. ادیب‌الممالک از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ ق. با روزنامه «ایران سلطانی» به عنوان نویسنده همکاری داشت. در سال ۱۳۲۳ ق. دبیر تعدادی از شماره‌های روزنامه «ایران» بوده است. در زمان سفرش به بادکوبه، ضمیمه‌ای فارسی را برای روزنامه ترک‌زبان «ارشاد» به عنوان سردبیر

۱. سبب آنکه میرزا صادق تخلص خود را به «امیری» تغییر داد، انتساب او به حسنعلی خان گروسی بود. در یکی از سفرهایش به آذربایجان، که باید در ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۹۰ م یا حوالی این سال بوده باشد، میرزا صادق در معیت او به تبریز رفت و آنجا در ذیحجه ۱۳۰۷ ق، به اشاره امیرنظام، لقب «امیرالشعرا» را برای خود اختیار و از آن پس «امیری» تخلص کرد. (تسلیم جهرمی، ۱۳۹۱).
۲. برای آشنایی و اطلاع بیشتر از ازدواج‌ها و فرزندان ادیب نگاه کنید به موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۴). زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی، ج ۱، تهران: قدیانی.
۳. این شخص شاید همان قهرمان میرزای صارم‌الدوله باشد که بعدها به سردار اعظم معروف شد و ادیب برایش قصیده سروده است (ولایتی، ۱۳۹۱: ۳۹).



چاپ کرد که ۱۳ شماره در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۴ ق. از آن منتشر شد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۵۳). در سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ ق. به عنوان سردبیر روزنامه مجلس همکاری نموده و از ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۵ روزنامه عراق عجم را تا جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق. منتشر کرده است. آخرین روزنامه‌ای که در طول حیاتش با آن همکاری داشت، روزنامه آفتاب است که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ ق. سردبیر آن بود.

ادیب عضو برجسته محفل فراماسونری ایران بوده است.^۱ ادیب الممالک فراهانی ابتدا حامی مشروطه بود و پس از کودتای محمدعلی شاه و بمباران مجلس از مشروطه خواهان جانب داری کرد. وی در سال ۱۳۲۷ ق. همراه مجاهدان فاتح، مسلحانه وارد تهران شد (ناهدی آذر، بی تا: ۲۸). اما صفایی در یکی از نوشته‌هایش آورده است که: «چون رفتار مردم ستیزانه فاتحان تهران و مجاهد نمایان و تجاوز و تعدی برخی از سران حکومت مشروطه و فتنه‌انگیزی‌های احزاب را دید از مشروطه و مشروطه خواهی دلزده و مأیوس شد و لحن ستایش آمیزش به انتقاد و لعن چنین مشروطه تحریف شده‌ای تبدیل شد.» (صفایی، ۱۳۵۳: ۱۲-۱۳). ادیب سرانجام در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ ق. درگذشت (آرین پور، ۱۳۵۰: ۱۳۸) مدفون او در حجره میرزا ابوالحسن خان قائم مقام در آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام است (ولایتی، ۱۳۹۱: ۴۳).

۱-۲- روزنامه ادب از تبریز تا مشهد و تهران

روزنامه ادب سه دوره در شهرهای تبریز، مشهد، تهران منتشر شده است. محمدصادق فراهانی در سفر دوم به تبریز در سال ۱۳۱۴ ق. که همراه امیرنظام گروسی رفته بود، پس از دو سال روزنامه ادب را به عنوان اولین تجربه روزنامه نگاریش تأسیس کرد. شماره نخست این روزنامه در تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۱۶ ق. چاپ شد. شماره اول آن با نام جریده ادب و از شماره دوم به نام ادب به چاپ رسیده است. گویا از ادب چاپ تبریز در سال نخست ۲۰ شماره و در سال دوم ۲ شماره انتشار یافته است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۵). آخرین شماره دوره اول روزنامه ادب مربوط به سال دوم است که در ۱۵ شعبان ۱۳۱۷ ق منتشر شد.^۲ قاسمی نبود

۱. او خود نخستین کسی بود که در انجمن فراماسونری یا به تعبیر خودش، «لژیبنداری ایران» عضویت یافت. این لژیپس از بمباران مجلس شورا در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق/ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸ م تعطیل و پس از استقرار دوباره مشروطه در ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ق/ دسامبر ۱۹۰۹ م بازگشایی شد (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۹-۸۴). در آغاز بسیاری از روشنفکران دوره قاجار، سازمان فراماسونری را به عنوان یک سازمان نوگرا، انقلابی و آزادی خواه می شناختند که آرزای جز مبارزه با استبداد و برپایی مردم سالاری و بیداری ملت‌ها ندارد. از آنجا که انقلاب فرانسه سرمشقی ارزنده برای انقلابیون و روشنفکران ایران بود، تشکیل فراموشخانه و پیوستن به سازمان‌های فراماسونی را وسیله‌ای برای ایجاد تحول، دگرگونی و انقلاب در ایران می‌پنداشتند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۴۵-۲۴۴).

۲. برخی چون تربیت (ص ۴۰۶)، صدرهاشمی (۱۳۶۴: ج ۱، ص ۸۲-۸۰)، کهن (۱۳۶۰: ج ۱، ص ۴۰) گفته‌اند که ۲۲ شماره

حامی و پاره‌ای از مسائل دیگر را سبب تعطیلی ادب چاپ تبریز می‌داند که به همین دلیل ادیب‌الممالک مهاجرت کرد و از تبریز به قفقاز و خوارزم رفت و از آن جا به مشهد آمد و رحل اقامت افکند (همان: ۲۲).

دلیل اقامتش در مشهد تلاش برای احراز تصدی موقوفه خانوادگی قائم مقامی در این شهر بوده است (محیط طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۷۶). در حالی که نیم قرن از آغاز روزنامه‌نگاری ایران گذشته بود، در اولین گام، دوره دوم روزنامه ادب را در مشهد منتشر کرد. نخستین شماره این روزنامه در چهارم رمضان ۱۳۱۸ ق. چاپ و توزیع شد و مشهد برای اولین بار صاحب روزنامه و روزنامه‌نگار شد. حضور ادیب‌الممالک در مشهد و کوشش‌های فرهنگی و تا اندازه‌ای سیاسی او، تأثیرات مهمی در جامعه مشهد به جا گذاشت (متولی حقیقی، ۱۳۹۲، ج: ۱، ۹۴). از ادب چاپ مشهد طی سه سال ۱۱۰ شماره چاپ شد.

ادیب‌الممالک در سال ۱۳۲۱ ق. به دستور مظفرالدین‌شاه و تصویب میرزا محمد ندیم‌السلطان وزیر انطباعات و جراید، دفتر روزنامه را به تهران منتقل و چاپ دوره سوم را از دارالخلافه شروع کرد (ولایتی، ۱۳۹۱: ۱۱۵). اولین شماره این دوره در ۲۷ رجب ۱۳۲۱ ق. منتشر شد. سبک و روش و قطع و تعداد صفحات روزنامه مانند شماره‌های منتشره در خراسان بود (صدر هاشمی، ۱۳۶۴، ج: ۱، ۸۸). مجد الاسلام کرمانی^۱ در انتشار روزنامه ادب چاپ تهران همکاری داشت و انتشار شماره‌های آخر به عهده و مسئولیت مستقیم او بود.^۲ ادب تهران تا

از آن چاپ شده است و در روزنامه کاوه چاپ برلین (ش ۲۰: ۸) آمده که روی هم رفته ۱۷ شماره از آن نشر شد. قاسمی ۲۰ شماره برای سال اول و ۲ شماره برای سال دوم ذکر کرده است (۱۳۸۶: ۲۲-۱۶).

۱. احمد مجد الاسلام کرمانی زاده ۱۲۸۸ ق. در کرمان، از مؤسسين شرکت اسلامیه در اصفهان است. در عرض چهار سال در پنج روزنامه فعالیت داشته و روزنامه‌های ادب تهران، ندای وطن، الجمال، کشکول، محاکمات، حاصل تلاش‌های او در عرصه روزنامه‌نگاری است. مجد الاسلام در سال ۱۳۴۱ ق. در سن ۵۰ سالگی در کرمان درگذشت. (برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی و اندیشه مجد الاسلام کرمانی نگاه کنید به: کمالی، مریم؛ حاجی حیدری، حبیب (۱۳۹۰).

۲. صدر هاشمی (۱۳۶۴، ج: ۱، ۸۸-۹۸) نوشته است: «... روزنامه به مدیری و سردبیری مرحوم مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه ندای وطن، کشکول، محاکمات و غیره منتشر شده است و به خصوص در سال ۱۳۲۳ ق. که ادیب‌الممالک در بادکوبه بوده هیچ‌گونه مداخله‌ای در کار روزنامه ادب نداشته است. با این وجود، در عنوان روزنامه اسم ادیب‌الممالک نوشته شده است و نامی از مرحوم مجد الاسلام نیست. و ادامه می‌دهد اولین دفعه در شماره ۱۷۴ سال چهارم نام مجد الاسلام آمده است و از شماره ۱۸۵ نامش به عنوان مدیر کل درج شده است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۳۸) می‌نویسد: «ادیب‌الممالک پس از انتشار ۱۴۸ شماره ادب چاپ تهران به دلیل اندوه، اداره نشریه ادب را به مجد الاسلام کرمانی واگذار کرده است.»



سال ۱۳۲۴ چاپ می‌شد و پس از آن برای همیشه تعطیل شد.^۲

ویژگی‌های روزنامه ادب

ادب تبریز بیشتر به مباحث علمی اشاره دارد از تاریخ علم، صنعت، چاپ و خط در شماره‌های ابتدایی بحث کرده و تصاویر منحصر به فردی دارد. از مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، امیرکبیر، عمارت‌های زیبای تبریز و یزد و شخصیت‌های خارجی، تصاویری در این روزنامه دیده می‌شود. اخبار در این روزنامه کم‌رنگ است. کم‌تر از اشعار و قصاید استفاده کرده است. سه شماره آخر آن زیر نظر مدرسه لقمانیه بوده است. ادب تهران تصاویر و کاریکاتور بسیار دارد، اخبار ایران و جهان بیشتر نوشته شده و مطالب آن متنوع‌تر بوده است. تصاویر ادب مشهد در مقایسه با تبریز و تهران از کمیت و کیفیت پایین‌تری برخوردار است. در مجموع چهار تصویر در ادب مشهد درج است که به جز کاریکاتور (روزنامه ادب، س ۳، ش ۵)، بقیه از اهمیت چندانی برخوردار نیست. اما تصاویر ادب تبریز و تهران تصاویر شخصیت‌ها و مکان‌های تاریخی است که یکی از دلایل اهمیت و نفاست آنهاست.

ادب تهران به لحاظ محتوا و اعتبار نسبت به ادب تبریز و مشهد از جایگاه بالاتری برخوردار است به ویژه مدتی که مجدالاسلام در اداره و انتشار آن نقش داشته است (پروین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۲). ادب تبریز و مشهد به طور کامل با چاپ سنگی منتشر شده در حالی که ادب تهران هر دو نوع، چاپ حروفی (سربی) و سنگی را تجربه کرده است.

در روزنامه ادب تبریز، نجف‌قلی خان قائم‌مقامی طبیب، برای ترجمه مقالات علمی همکاری داشته است. در مشهد صادق تبریزی معاون اداره بوده و در تهران مجدالاسلام کرمانی که آوازه بیشتری از دوتن دیگر داشته با ادیب‌الممالک همکاری کرده است.

ادب مشهد توقیف و تعطیل نشده بلکه به درخواست شاه صاحب امتیاز آن به تهران فراخوانده شده و به ناچار تعطیل شد. ادب تبریز به دلیل عدم داشتن حامی و ادب تهران

۱. در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، شماره ۱۸۸ مربوط به ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۴ را آخرین شماره ذکر کرده است. (صدرهاشمی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۹۸-۸۸) قاسمی آخرین شماره را ۱۸۹ مربوط به ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۴ می‌داند (۱۳۸۶: ۴۱) که به یقین نزدیک‌تر است. (ولایتی، ۱۳۹۱: ۱۱۶) و موسوی گرمارودی (۱۳۸۴، ج ۱: ۱۵۷) با استناد به صدرهاشمی تعداد شماره‌های چاپ تهران را ۱۸۸ شماره می‌دانند.

۲. تعطیلی آن در زمان مدیریت مجدالاسلام بر روزنامه اتفاق افتاده که وی به کلات تبعید شد و روزنامه تعطیل گردید و ادیب‌الممالک که در این هنگام در بادکوبه بود پس از بازگشت تلاش کرد که دوباره آن را چاپ کند ولی موفق نشد.

به واسطه تبعید مجد الاسلام کرمانی به کلات^۱ تعطیل شده است. ادیب در این زمان در بادکوبه بوده و پس از بازگشت هرچه تلاش می‌کند تا مجوز انتشار دوباره آن را بگیرد موفق نشده است. از ادب تبریز در طی دو سال ۲۲ شماره، ادب مشهد در طی کمتر از سه سال ۱۱۰ شماره و ادب تهران در چهار سال ۱۸۹ شماره چاپ شده است. البته ادب مشهد با کم‌ترین تأخیر و تعطیلی چاپ شده و از دوره‌های تبریز و تهران منظم‌تر منتشر شده است.

۲- ساختار شکلی روزنامه ادب مشهد

روزنامه ادب چاپ مشهد از اواسط حکومت مظفرالدین شاه قاجار که شاهزاده رکن الدوله^۲ والی خراسان بود شروع به انتشار کرد. هفت شماره از روزنامه چاپ شده بود که رکن الدوله فوت کرد و شاهزاده نیرالدوله جانشین او شد.^۳ نخستین شماره ادب در مشهد به تاریخ چهار رمضان ۱۳۱۸ (چهار دی ۱۲۷۹) منتشر شد، و هر هفته یک بار^۴ در هشت صفحه به چاپ می‌رسید. این روزنامه هفتگی به مدیریت محمدصادق حسینی (ادیب الممالک فراهانی) در قطع ۲۱×۳۴ با خط نسخ^۵ به قلم میرزا عبدالعلی ادیب التولیه^۶ و با چاپ سنگی در دارالطباعة

۱. علت تبعید او به کلات به طور دقیق مشخص نیست. برخی دلیل آن را اعتراض به سانسور مطبوعات، برخی چاپ روزنامه و شب‌نامه توسط او و برخی تبلیغ بابی و بهایی‌گری اعلام کرده‌اند (کمالی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۵)؛ پروین ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۲). براساس نوشته های ناظم الاسلام، سخن گفتن روزنامه از مشروطه، جمهوری، آزادی، مساوات و برابری را دلیل تعطیلی ادب و تبعید مجد الاسلام دانسته است.
۲. شاهزاده میرزا محمدتقی رکن الدوله زاده ۱۲۶۲ ق. پسر سوم محمدشاه قاجار که والی ایالت‌های فارس، تهران، زنجان و خراسان بوده است. رکن الدوله در ۲۰ سال آخر عمرش چهار بار به حکومت خراسان منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۱۸ ق. در مشهد وفات یافت.
۳. در شماره هشت روزنامه ادب مشهد، مفصل به مرگ رکن الدوله اشاره و در شماره نه (آخر شوال ۱۳۱۸) به جانشینی نیرالدوله پرداخته است. در شماره شش سال دوم حکم تمدید دوره یک‌ساله نیرالدوله از سوی مظفرالدین شاه را چاپ شده است.
۴. از شماره چهار سال اول نوشته که روزهای چهارشنبه طبع و توزیع می‌شود.
۵. صدرهاشمی خط آن را نستعلیق ذکر کرده (۱۳۶۴، ج ۱: ۸۳). پروین نوشته است خط نسخ ادب تبریز و مشهد یکی است (۱۳۸۰، ج ۲: ۷۵۹).
۶. در هیچ‌یک از منابع به این نام اشاره نشده، پروین نوشته است گمان می‌رود که از آن ادیب الممالک ناشر روزنامه است (۱۳۸۰، ج ۲: ۷۵۹). اما بدون شک نمی‌توان آن را خط ادیب دانست چرا که اگر خط تحریری این روزنامه با نسخه‌های سنگی روزنامه خورشید برابری گردد، خط هر دو را یکی خواهیم یافت. با توجه به همکاری صادق تبریزی که روزنامه خورشید را چاپ کرده بی‌شک کاتب هر دو را باید یکی بدانیم. در صفحه آخر (س ۱ ش ۲۸) روزنامه ادب در حاشیه آخرین مقاله آمده است: «از مرحوم آقا میرزا احمد شاملو خوشنویس و ادیب و شاعر معروف غفران الله علیه نیز که جد امی جناب آقا میرزا عبدالعلی ادیب التولیه کاتب این جریده و مصحح کتابخانه آستان قدس سلمه الله تعالی بوده ...» براساس این نوشته، نگارنده این سطور، کاتب روزنامه ادب و خورشید را همین آقای عبدالعلی ادیب التولیه می‌داند.

مشهد^۱ به چاپ رسیده است. ادیب آن را به شیوه‌ای نزدیک به ادب تبریز منتشر می‌ساخت (پروین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۶). این روزنامه دو ستونه بود، و هر ستون ۲۷ سطر داشته است. در سرلوحه ادب این اطلاعات درج شده است: در فراز آن، شماره، سال، صفحه؛ در سمت راست آدرس: اداره روزنامه مشهد مقدس - کوچه باغ عنبر، در خانه مدیرکل^۲ میرزا صادق خان ادیب‌الممالک^۳، هفته‌ای یک مرتبه طبع و توزیع می‌شود، بعد از قبول نمره سیم اسامی مشترکین در دفتر اداره ثبت می‌شود^۴، [در ماه ششم وجه دریافت می‌شود؛ در وسط سرلوحه نام روزنامه به خط نستعلیق، تاریخ قمری و میلادی هر شماره^۵؛ در سمت چپ سرلوحه وجه اشتراک سالیانه به این شرح درج شده: در مشهد مقدس^۶ دو تومان، در سایر بلاد محروسه ایران ۲۶ قران، در قفقاز و روسیه ۶ منات، در ممالک عثمانیه ۳ مجیدی، در هندوستان ۱۰ روپیه، در سایر بلاد اروپ ۱۲ فرانک، قیمت اعلان سطری یک قران است؛ در ذیل سرلوحه نوشته است: روزنامه‌ایست علمی و ادبی و سیاسی و تجارتی و تاریخی - هرگونه لایحه مفید که منافعی بادین دولت نباشد به شرط امضاء درج می‌شود.

شمارگان روزنامه ادب به طور دقیق معلوم نیست، تنها اشاره‌ای که در این زمینه شده، یکی از نوشته‌های شخص ادیب در روزنامه است. «امروز فقط در شهر مشهد مقدس که مرکز ایالت خراسان است قریب سیصد نمره از روزنامه ادب در هر هفته به مصرف می‌رسد» (س ۲، ش ۱۵). صفحه‌شمار این روزنامه مانند بسیاری از روزنامه‌های هم‌عصرش پیوسته است. تعداد شماره‌های منتشر شده از این روزنامه در هر یک از سال‌های اول و دوم ۴۸ شماره است که آخرین صفحه هر سال به عدد ۳۸۴ ختم شده و در سال سوم ۱۴ شماره در مشهد منتشر گردید که شامل ۱۱۲ صفحه است. از روزنامه ادب در مجموع ۱۱۰ شماره شامل ۸۸۰ صفحه منتشر شده است.

ادیب‌الممالک طی یک اعلان در شماره اول، محمدصادق تبریزی^۶ را به عنوان معاون خود

۱. در هیچ یک از شماره‌های روزنامه نام چاپخانه نیامده است. پروین می‌نویسد: چون چاپخانه سنگی دیگری جز دارالطباعة مشهد در دوره مظفری شناسایی نکرده‌ایم آن را محصول همین چاپخانه می‌انگاریم (۱۳۸۰، ج ۲: ۷۵۰).
۲. محل اداره روزنامه از شماره ۲۹ سال اول از کوچه باغ عنبر، به کوچه مدرسه دودرا^۷، منزل شخصی ادیب‌الممالک تغییر نموده است.
۳. از شماره دوم سال اول تا آخرین شماره چاپ مشهد، ذیل نام ادیب‌الممالک نوشته است: میرزا صادق خان تبریزی معاون اداره است.
۴. از شماره ۲۱ سال اول تاریخ قمری و میلادی هر شماره به فراز سرلوحه منتقل شده است.
۵. از شماره ۲ سال دوم برای طلاب مشهد اشتراک سالیانه ۱۲ قران بوده است.
۶. از هویت محمد صادق تبریزی اطلاع چندانی در دست نیست. بعدها روزنامه خورشید و بلدالامین را در مشهد دایر

در روزنامه تعیین کرده است. در صفحه هشت شماره اول روزنامه نوشته است: «چون آقا میرزا صادق خان ناظم سابق پست خانه مبارکه خراسان در این امر مقدس شریک و سهیم بالسویه ما است از این تاریخ ایشان را معاون اداره دانسته و امیدواریم که ان شاء الله تعالی دستیاری چنین معاون محترم غیرتمندی از عهده خدمات شایسته وطن برآییم. چون وکالت سایر جراید با ایشان است اعلام می‌داریم که مشترکین جراید به اداره ادب رجوع فرمایند». میرزا صادق در زمان مسافرت ادیب‌الممالک به قفقاز در جمادی‌الاول ۱۳۱۹ ق. شماره‌هایی از ادب را به چاپ رسانده است^۱ (قاسمی، ۱۳۸۶: ۲۴). هزینه اداره روزنامه ادب از طریق اشتراک و یا کمک دیگران تهیه می‌شده است در ذیل عنوان «حق‌گذاری» از دو نفر از بزرگان به نام آقای معاون‌الدوله دامت شوکت که ۲۲ تومان و آقای اعتبارالسلطنه رئیس پست خانه مرکزی که ۱۰ تومان برای روزنامه فرستاده‌اند، تشکر کرده است (ادب، س ۱، ش ۲۸).

با وجود این، در برخی شماره‌های روزنامه، ادیب از بدحسابی برخی مشترکین می‌نالند و درخواست مساعدت از سوی آنها دارد. در یکی از شماره‌ها نوشته است: «... آخرین نمره سال نخستین ادب منتشر گردید و به حمد الله تعالی و المنة چنان که وعده کردیم ماهی چهار نمره به مشترکین تقدیم نموده از قول خود برآمدیم اگر در این سال اداره را به وسایط و اسباب مختلفه ضرر و خسارت بی اندازه فراهم نمی‌گشت یا اقلاً خرج و دخلش با یکدیگر موازنه می‌نمود بر عده صفحات آن افزوده یا از قیمتش می‌کاستیم. اما چه باید کرد که هنوز بعضی از مشترکین و بسیاری از وکلای وجه شرکت یک ساله را با وجود اعلانی که هر هفته در صفحه اول نگاهشته و وعده آن را پس از شش ماه نخستین گذاشته‌ایم به اداره نرسانیده‌اند» (س ۱، ش ۴۸).

ادب مشهد در بسیاری از شهرهای ایران و حتی خارج از کشور، نمایندگی و خبرنگار داشته، بسیاری از اخبار مندرج در آن حاصل تلاش همین نمایندگان بوده است. اسامی نمایندگان داخل ایران در شماره ۱۶ سال اول و نمایندگان روزنامه در کشورهای خارجه مانند شهرهای بادکوبه، سن پترزبورگ، طرابوزان، عشق‌آباد، تفلیس، مسکو، بمبئی، کلکته، مصر، استانبول و بخارا در شماره ۴۱ سال اول درج شده است.

نمود معاون ادیب‌الممالک در اداره روزنامه ادب بوده است. او را فردی آزادی خواه و حامی مشروطه دانسته‌اند. (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به بازچاپ روزنامه خورشید (مقدمه)، تهران: دانشگاه تهران).

۱. در این باره ادیب توضیح داده است: «چون نگارنده به جهت بعضی مهمات لازمه یک ماهه مسافر قفقازیه خواهد شد جناب معتمدالسلطان آقا میرزا صادق خان معاون محترم اداره اقباله نیابتاً از جانب این بنده اصالتاً از طرف خودشان تعهد و تکفل مطلق امور و مهمات راجعه به اداره را بر ذمه همت و دانش خود مقرر داشته‌اند و از نمره سی و هفتم (ادب) تا چند نمره دیگر که بنده در اداره حاضر نیستم جناب مومی‌الیه زحمات آن را کلیه بر عهده گرفته‌اند» (ادب، س ۱، ش ۳۶).

از ویژگی‌های بارز روزنامه‌ی ادب مشهد، فهرست مندرجات است که در صفحه‌ی اول هر شماره درج می‌شد. پایان آخرین مطلب هر شماره از روزنامه، به نام و امضای محمدصادق الحسینی فراهانی منقوش است. حاشیه‌نویسی روزنامه‌ها از نکاتی است که روزنامه‌های چاپ سنگی در برخی شماره‌ها از آن بهره برده‌اند. ادب مشهد در برخی صفحات به دلیل کمبود فضا برای مطالب ادامه‌دارش از حاشیه‌ی روزنامه استفاده کرده است. ادب مانند بسیاری از روزنامه‌های این عصر از اشتباهات نوشتاری و اغلاط املائی برخوردار بوده، به همین دلیل در برخی شماره‌ها تحت نام «اخطار» تصحیح‌نامه‌هایی نوشته است. در شماره ۱۶ سال اول برای شماره ۱۴ و در شماره هشت سال دوم برای شماره هفت این تصحیح‌نامه‌ها دیده می‌شود.

ویژگی ممتاز روزنامه ادب مشهد، تصویر و کاریکاتورهایی است که از سال سوم به آن ورود کرده است. کاریکاتور چاپ شده در شماره پنج سال سوم (۱۴ شوال ۱۳۲۰) آغازگر استفاده از این وسیله ارتباطی نافذ و انتقادی در روزنامه‌های کشور به حساب می‌آید (کهن، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۸۸). این کاریکاتور که توسط حسین الموسوی نقاش باشی آستان قدس ترسیم شده برگرفته از کتاب خزانه الایام^۱ است. این تصویر حکایتی طعنه‌آمیز در نحوه پیشرفت غربی‌ها و عقب ماندگی و پس رفت شرقی‌ها به ویژه در آسیا است. علاوه بر این کاریکاتور، سه تصویر دیگر در شماره چهار، شش و هفت چاپ شده که نمی‌توان آن‌ها را در زمره کاریکاتورها آورد (پروین، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۳۸).

اشکال بزرگ ادب و بسیاری از روزنامه‌های هم‌عصرش عدم تطابق عنوان (تیترا) با محتوا است. هرچند فهرست مندرجات دارد اما تناسبی بین عنوان با متن دیده نمی‌شود. «ان لااکن صنعا»، «دشمن دانا»، «مکتوب یکی از غیرتمندان»، «تشکر و امیدواری»، «بیرحمی و شقاوت»، «ملکه الجمال»، «صعود جراید»، «صورت فرمان همایون»، «مقاله فرهنگ»، «وفای وعده ماضی»، «مغنطیس اموال سفیهان» تعدادی از عناوین نامأنوس با متن و مبهم انتخاب شده است.

۱. این کتاب در نیویورک چاپ شده و شرح حال رجال علمی و سیاسی غربی و شرقی است که توسط محمد نعمان ملعوف صاحب روزنامه جریده الایام به سال ۱۸۹۹ م. گردآوری شده است. تا کنون در هیچ‌یک از منابع به مأخذ این کاریکاتور اشاره نشده در حالی که در سر لوحه کاریکاتور در روزنامه، نام کتاب مورد اشاره آمده است (پروین، ۱۳۸۰، ج ۲، ۴۳۸). با توجه به ویژگی‌های کاریکاتور درج شده در روزنامه اشاره دارد که «تصور می‌کنم که این تصویر انتحالی از روزنامه‌ها یا کتاب‌های چاپ عثمانی یا اروپا باشد. این تصویر چهار سال قبل از اینکه در روزنامه چاپ شود در کتاب خزانه الایام (ص ۷۷) چاپ گردیده و با اندکی تغییر در صفحه اول روزنامه حک شده است. (از دوست و همکار عزیزم جناب سید مهدی سید قطبی برای کشف این نکته و دسترسی به اصل کاریکاتور سپاسگزارم).

روزنامه ادب مشهد به دلیل رویه محافظه کارانه‌ای که داشته اصلاً دچار توقیف و تعطیلی نشده است. در چند برهه از زمان‌های انتشار به دلایلی که بیشتر آن‌ها در روزنامه توضیح داده شده، با تأخیر چند روزه چاپ شده است. شماره ۴۶ سال اول به دلیل مشغله ادیب و همکارانش به واسطه بازگشت او از ترکستان و قفقاز با تأخیر دو هفته‌ای منتشر شد. شماره ۱۷ سال دوم به دلیل دهه عاشورا، شماره ۲۴ سال دوم به دلیل دهه آخر صفر، با دو هفته تأخیر چاپ شد.

در شماره ۴۶ سال اول تحت نام «اخطار» یادآور می‌شود که «... آخر سال را برای تفریح محاسبات تعطیل نماید. لهذا محض اطلاع خاطر مشترکین عظام عرضه می‌دارد که از پانزدهم شهر شعبان المعظم الی چهارشنبه ششم شهر رمضان المبارک که آغاز سال دویم روزنامه است منتظر نشر و اشاعه نباشند.

من خواستمی که روی من باشد ماه
اما چون شد مرا در آن نیست گناه
مستدعی ست مشترکین عظام این عذر موجه را پذیرفته و این تأخیر را بر غفلت و بطالت حمل نفرمایند».

این روزنامه برای مدتی از سوی دولت روسیه دچار مشکل شده، آن‌ها قدغن کرده بودند روزنامه وارد خاک روس شود «... از شش ماه قبل تقریباً جرایدی که از این جا به عشق آباد و تازه شهر و تمام ترکستان و ممالک ماوراء بحر خزر فرستادیم همه آنها را از پست خانه (هودان) که سرحد خراسان است مستقیماً به پترزبورگ فرستاده و هیچ‌یک را به صاحبان شان نرسانیده‌اند. مشترکین محترم ما در آن حدود که بسیاری از غیرتمندان و وطن پرستان بوده و دل خوشی آنها از قراری که نوشته‌اند سرگرمی به مطالعه روزنامه ادب بود بی نهایت از نرسیدن آن دلتنگ شده تا دیرگاهی آغاز شکایت می نمودند و مکرر درصدد تحقیق مسئله برآمده و سر این مرحله را کشف ننمودیم حتی در سفر ترکستان بر خود نگارنده معلوم نشد که روزنامه مزبور که به سرحد هودان وارد می شود به کجا می رود. تا چندی قبل ورقه رسمی از سرحد رسید که از طرف وزارت معارف دولت روسیه در پترزبورگ به رؤسای پست خانه‌های داخله روس حکم آمده است که روزنامه ادب را در قلمرو خود قبول نکنند جز برای عبور.» (روزنامه ادب، س ۲، ش ۱).

در ذیل «سپاس نامه» آمده است: «عجالتاً سال سوم ادب را به سه امتیاز ممتاز و متبرک می‌نماییم نخست این که در هر یک از این مدارس که در این عصر میمنت حصر یعنی در زمان سلطنت این شاهنشاه جم‌جاه معارف پناه ارواحنا فداه تأسیس یافته است به شکرانه استقامت و اعتدال وجود همایون یک نمره تا آخر سال مجاناً بندگی نموده و به شاگردان آن جا



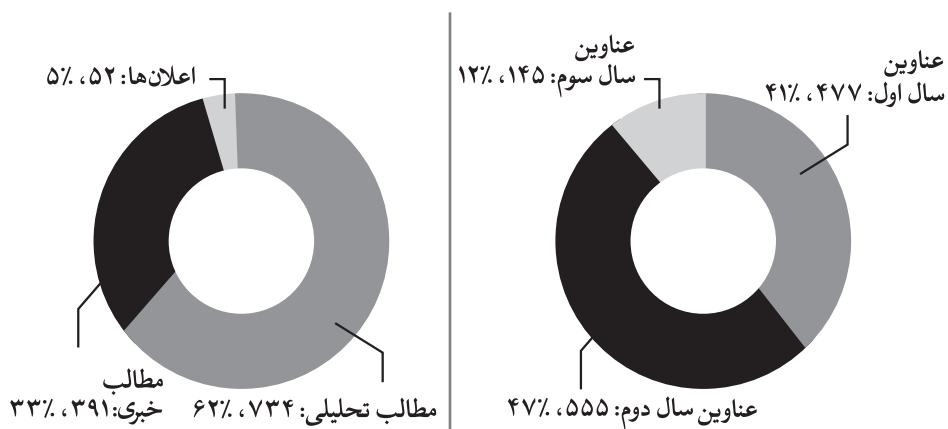
هر قدر که روزنامه بخواهند با تصدیق مدیر و اجزای همان مدرسه، [نصف قیمت سالیانه آن را اداره تقدیم خواهد نمود. دویم از قرار ماهی چهار نمره در سال چهل و هشت نمره روزنامه به طبع می‌رسید. ولی در این سال مبارک محض خدمت به مشترکین دو نمره در آخر سال بر عده نمره‌های سابق می‌افزاید که من حیث المجموع پنجاه نمره باشد. سیّم نمره پنجاهم را حاوی فهرست تمام نمره‌های جریده مزبور نموده از نمره اول بترتیب تا نمره ۴۹ تمام مندرجات را با تعیین نمره صفحات نگاشته و تقدیم مشترکین می‌نماید که اگر بخواهند اوراق سالیانه را جمع و مدوّن سازند فهرست مرتبی هم داشته باشند» (س ۳، ش ۱، چهارشنبه ۱۶ رمضان ۱۳۲۰). اما پیش‌بینی ادیب‌الممالک در این زمینه، به وقوع نپیوسته و کمتر از چهار ماه بعد، به دعوت مظفرالدین شاه راهی تهران شد و دوره سوم روزنامه ادب را در آن جا منتشر کرد. آخرین شماره سال سوم روزنامه در مشهد، شماره ۱۴ است که در ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۰ ق. منتشر شده است.

۳. ساختار محتوایی ادب مشهد

۳-۱- از خبر تا اعلان و تحلیل

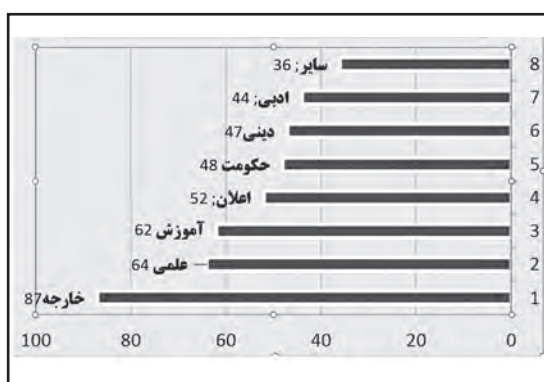
در طی سه سال انتشار روزنامه ادب در مشهد، ۱۱۰ شماره از آن چاپ شده است. آمار نشان می‌دهد تعداد ۱۱۷۷ عنوان (خبر، مقاله، اعلان) جزء فهرست مندرجات روزنامه است که در نمودار یک به تفکیک سال انتشار و در نمودار دو به تفکیک نوع، نشان داده شده است. تفکیک اخبار هر کشور یا شهر به عنوان یک خبر مستقل، دلیل تعداد بیش‌تر عناوین مطالب در سال دوم است. در سال اول خبرهای خارج از کشور، بیشتر ذیل عنوان «اخبار خارجه» آمده است. در سال سوم، چون ۱۴ شماره در مشهد چاپ شده، طبیعی است که تعداد مطالب بسیار کم‌تر از دو سال قبل باشد.

۱. ادیب در تهران سال سوم روزنامه ادب را مجدد از شماره اول منتشر کرده و ۱۴ شماره سال سوم که در مشهد چاپ کرده را به حساب نیاورده است.



تحلیل و توصیف از وقایع، مکان‌ها، موضوعات، شخصیت‌ها حجم زیادی از مطالب ادب را به خود اختصاص داده است. دست‌اندرکاران روزنامه سعی کرده‌اند هر موضوع قابل اهمیتی را تحلیل و با مستندات لازم برای خوانندگان‌شان تشریح کنند. اخبار کوتاه آن بیشتر از کشورهای خارجی و برخی شهرهای ایران و خراسان است. مطالب تحلیلی اغلب از درون یک خبر به بار نشسته است. تحلیل یک خبر یا رویداد، ذیل عنوان ادب در بسیاری از صفحات روزنامه انجام شده است. اعلان و اخطار بخش مهمی از مطالب روزنامه را شکل داده و شامل آگهی تجاری، اعلان‌های مرتبط با روزنامه و درخواست‌های خوانندگان می‌شود.

پراکندگی موضوعی مطالب مندرج در روزنامه ادب مشهد



ادیب‌الممالک روزنامه ادب را در سرلوحه، روزنامه‌ای سیاسی، علمی، تاریخی، تجاری

و ادبی معرفی می‌کند که مخالف دین و دولت نیست. بررسی روزنامه نشان می‌دهد که او این رویه را به خوبی رعایت کرده است. محتوای کلی روزنامه را اخبار خارجه، سرمقاله‌های تحلیلی، اخبار شهرستان‌های ایران و خراسان، اخبار مشهد، اعلان‌های مختلفه تشکیل می‌دهد، البته سهم هریک متغیر است که در نمودار سه پراکندگی موضوعی برای مطالب تحلیلی روزنامه مشخص شده است.

۳-۲- مشهد و سایر بلاد در نوشته‌های ادب

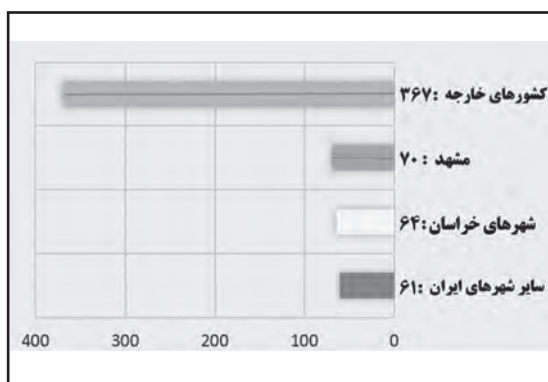
روزنامه هرچند در مشهد به چاپ رسیده است ولی مطالب آن درباره رویدادها و اخبار این شهر چشمگیر نیست. به نظر می‌رسد نمایندگان و خبرنگاران این روزنامه در سایر شهرها فعال‌تر از مشهد بوده‌اند. این نقصان به‌گونه‌ای است که دیگران با نامه‌هایشان او را متوجه کمبود اخبار خراسان می‌کنند. محمدحسن کاشانی مدیر «حبل‌المتین کلکته» در نامه‌ای به ادیب‌الممالک که در ادب ذیل «مکتوب شهری» چاپ شده، می‌نویسد: «با توجه به گرانی‌ها و کمبود نان و غلات در شهرهای مختلف، چنین شایع شده که در خراسان نیز قحطی است. خبرهای وحشت‌انگیز از خراسان شنیده می‌شود». کاشانی هرچند در حبل‌المتین این اخبار را تکذیب می‌کند اما از ادیب درخواست می‌کند که در روزنامه‌اش در این باره بنویسد تا زوآر واهمه نداشته باشند و بیایند و بازار کسبه نیز رونق یابد (روزنامه ادب، س ۲، ش ۳۲).

اخبار اجتماعی شهر مشهد در روزنامه ادب بیشتر از دیگر موضوعات مورد توجه بوده است. خبرهایی چون «مکتوب یکی از اهل بصیرت» درباره آب آشامیدنی مشهد (همان، س ۲، ش ۱۲)، «فوج دماوند در مشهد» در خصوص خدمات لشکر نظامی دماوند در قراول‌خانه‌های مشهد و سبزوار (همان، س ۲، ش ۱۷)، «دواخانه عمومی» درباره تمجید از ایجاد داروخانه به شکل داروخانه‌های تهران (همان، س ۲، ش ۲۳). تعدادی از مطالب روزنامه است. شماره ۲۸ سال دوم تحت نام «همت تامه در رفاه عامه» به مشکلات زائرین در مسیر شریف‌آباد به مشهد اشاره دارد (همان، س ۲، ش ۲۸) و طرح مهندسان را برای ساخت این راه از حرم تا شریف‌آباد، همراه نقشه پیاده‌سازی شده چاپ کرده است. همچنین ذیل خبر «قابل توجه ایالت کبری» به مشکلات بازار اطراف حرم اشاره دارد که به دلیل عدم نظارت بر بازاریان، مشکلاتی برای عبور و مرور مردم در ورود به حرم ایجاد شده است (همان، س ۱، ش ۴۵). در مطلبی با عنوان «کالسکه و کجاوه و شتر و بارهیزم» نیز به مشکلات خیابان‌های مشهد و سختی عبور و مرور اشاره می‌کند (همان، س ۱، ش ۴۷).

در خبری از مشهد می‌نویسد: «امسال به حدی برف و سرما در مشهد شده بود و دمای هوا چهار درجه زیر صفر بوده که تعدادی از فقرا و غربا در میان مسجد و صحن حرم از سرما به هلاکت رسیده‌اند.» (همان، س ۳، ش ۸: ۶۲). در خبری دیگر کمبود نان از مشکلاتی است که مشهد در این زمان گرفتار آن است و بارها به آن اشاره دارد. در مطلبی تحت عنوان «کیست که نمی‌داند» عامل قحطی نان را نه خباز، نه حکومت، نه بی‌آبی و نه حشرات می‌داند بلکه احتکار را معضل کمبود نان معرفی می‌کند (همان، س ۲، ش ۴۶).

در مطالبی دیگر، وضعیت اقتصادی مشهد را در این زمانه به چالش می‌کشد. مقاله «شکر نعمت، نعمت افزون کند» وضعیت ارزاق را در مشهد بررسی کرده است (همان، س ۱، ش ۷). از گرانی و کمبود یخ می‌گوید و بعد بشارت می‌دهد که پس از رویت خیر توسط ایالت کبریا، خان بیگلربیگی مأمور سامان‌دادن این مشکل ختم به خیر شد (همان، س ۲، ش ۳۰ و ۳۱). سپس تحت نام «اعلان» قیمت و وزن برای هریک عدد نان را نوشته و از مردم می‌خواهد هر خبازی که خطا کند را معرفی نمایند، تا جریمه و تنبیه شود (همان، س ۲، ش ۴۷). آستان قدس رضوی مورد توجه روزنامه ادب بوده و در آن مطالبی درباره دارالشفاء (همان، س ۲، ش ۶؛ س ۳، ش ۹)، مدرسه سادات رضوی (همان، س ۲، ش ۶؛ س ۳، ش ۱۴)، سقاخانه حرم (همان، س ۲، ش ۳۵)، انتصاب نصرالملک به تولیت آستان قدس (همان، س ۱، ش ۴۸)، روشنایی حرم مطهر (همان، س ۲، ش ۱۶؛ س ۳، ش ۹)، جشن میلاد امام رضا علیه السلام (همان، س ۲، ش ۲۶) قابل مشاهده است.

پراکندگی جغرافیایی مطالب روزنامه ادب مشهد



در مورد شهرهای تابعه خراسان مطالبی توسط خبرنگاران مخابره شده که در برخی شماره‌ها

مشاهده می‌شود. سبزواری ۱۶ مطلب؛ نیشابور، قوچان و تربت هریک با هشت مطلب؛ بجنورد پنج مطلب؛ گناباد، طبس، تون با سه مطلب و شهرهای ترشیز، جوین، مزینان، بیرجند، سرخس، درگز، خواف از یک تا دو خبر یا مطلب در روزنامه به خود اختصاص داده‌اند. در یک مورد از احتکار و قاچاق گندم توسط یکی از کدخداهای قوچانی خبر می‌دهد که در زمان قحطی و کمبود بارش باران در خراسان اتفاق افتاده است و به مذمت آن پرداخته است (همان، س ۱، ش ۲۲).

در برخی از شماره‌ها نیز اخبار و مطالبی از شهرهای کرمان، اصفهان، تبریز، شیراز، کرمانشاه، رشت، یزد، بوشهر، سیستان، انزلی، شوشتر، سراب، نائین و بندرعباس چاپ کرده است.

۳-۳- وقایع و رویدادهای خارجه

به طور مشخص، بیشترین محتوای ادب را اخبار و وقایع خارجه تشکیل می‌دهد که شامل رویدادهای روز دنیا است. جنگ انگلیس و ترانسوال^۱، محاربه چین و اروپا، راه آهن حجاز، وضعیت سومالی، تاریخ و جغرافیای مراکش و مسئله کویت مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در روزنامه است که در چندین شماره راجع به آنها بحث شده است. اخبار و تحلیل‌های روزنامه از جشن تاجگذاری آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانیا به سال ۱۳۱۹ق. در نوع خود جالب توجه است. مطالب تحلیلی در زمینه خارجه ۸۷ مورد است در حالی که بیش از ۲۸۰ خبر کوتاه از رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی دنیا نیز در روزنامه مشاهده می‌شود که یا ترجمه از روزنامه‌های غیرفارسی است و یا خبرنگاران روزنامه در کشورهای دیگر ارسال کرده‌اند. ادیب با انتخاب گزینشی برخی اخبار دنیا، سعی کرده تلنگری به وضع داخلی ایران بزند. با بررسی ساخت راه آهن حجاز (همان، س ۱، ش ۲۵) پیشنهاد می‌دهد: «... که در این کار خیر به برادران اسلامی تأسی کرده از طهران راه آهنی به مشهد مقدس که محل زیارت و توجه تمام مسلمانان است دایر سازند». با بررسی مدارس استانبول (همان، س ۱، ش ۱۹؛ س ۲، ش ۱) و ژاپن (همان، س ۱، ش ۴۷) به ترسیم الگویی برای بهبود مدارس ایران می‌پردازد. مباحث علمی روز دنیا و اختراعات گوناگون در گوشه و کنار جهان بسیار در اخبار روزنامه

۱. مملکتی است در جنوب آفریقا. دارای معادن طلا و الماس (لغت‌نامه دهخدا)، همان آفریقای جنوبی است که بوئرها در آن ساکن بودند به واسطه حضور انگلیسی‌ها در آفریقای جنوبی برای معادن طلا و الماس بین بوئرها و مهاجرین انگلیسی و هلندی در سال ۱۸۹۹ جنگ در گرفت که علیرغم برتری بوئرها سرانجام در سال ۱۹۰۲ با توافقنامه بین انگلیس و آفریقای جنوبی پایان پذیرفت و بوئرها مجبور به ارائه امتیازاتی به انگلیسی‌ها شدند. این موضوع از اخبار مهم رسانه‌های آن روز جهان بود که ادب نیز آن را از سایر جراید برگرفته، ترجمه و چاپ می‌کرد.

ادب گنجانده شده است. تحلیل مسائل از پنجرهٔ آمار و ارقام مورد توجه روزنامه بوده است. ذخیره گندم را به تفکیک قاره‌ها و کشورها چاپ کرده است (همان، س ۲، ش ۴۵). جمعیت و تعداد مدارس برخی کشورها از مطالب آماری مهم روزنامه است.

ادیب‌الممالک با ابونظاره^۱ رابطه دوستی عمیقی داشته است. نوشته‌های ابونظاره در توصیف و مدح مظفرالدین شاه در برخی شماره‌های ادب ترجمه و چاپ گردیده (همان، س ۱، ش ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳) و ابونظاره نیز برخی نوشته‌های ادیب را در نشریه‌اش به زبان فرانسه چاپ کرده که ترجمه یکی از آنها در روزنامهٔ ادب آمده است (همان، س ۱، ش ۲۶).

۳-۴- مطالب علمی

موضوعات علمی یکی از اصلی‌ترین مقوله‌های مورد توجه روزنامه است. ۶۴ عنوان مطلب دربارهٔ اختراعات، اطلاعات عمومی، مباحث پزشکی و دارویی و مباحث متفرقهٔ علمی چاپ شده است. بیشتر این مطالب از نوع اخبار کوتاه است که اغلب از اختراع یک پدیده، یا یک رویداد علمی و یا تذکر بهداشتی و پزشکی خبر می‌دهد. نوع ادبیات و اطلاع‌رسانی روزنامه جالب توجه است.

«خواب خرگوش واقعی - حکمای اروپا در این تازگی اختراعی برای بیهوشی حیوانات نموده‌اند که با استعانت قوهٔ الکتریکی هر جانوری را که بخواهند بیهوش نموده، و بعد از سه ماه باز به همان اسباب او را به هوش می‌آورند و در این سه ماه آن حیوان زنده‌ای است بی‌حس و بی‌حرکت و بی‌خواب و مرده‌ایست با حیات و تنفس و روح: عجالتاً این امتحان دربارهٔ خرگوشی به جای آورده و بعد از انقضای مدت مزبوره و برازنده و سالم یافته‌اند.» (همان، س ۱، ش ۲۷). و یا خبر «اختراع ماشین راه‌رفتن در آب»^۲ در نمسه (اتریش کنونی) را چنین نقل می‌کند: «... کفش‌ها را در پا کرده و با کمال سرعت بر روی آب می‌دوید زوجه خود را در میان قایقی نشانیده و مهار قایق را با دست از عقب سر می‌کشید و با خود می‌برد. سکنهٔ دهاتی که در ساحل رودخانه بودند به تماشا جمع شده بعضی گمان می‌کردند فرشته از آسمان نازل گشته و برخی احتمال می‌دادند که شیطانی از زمین بیرون آمده...» (همان، س ۲، ش ۲۷).

۱. یعقوب بن رافائل صنوع (۱۲۵۵-۱۳۳۳ق.م). روزنامه‌نگار یهودی از پیشروان شیوهٔ طنز و فکاهی در روزنامه‌های مصر و بنیان‌گذار و صاحب‌امتیاز روزنامهٔ معروف ابونظاره است که از جنبش‌های آزادی‌خواهی ایتالیا سخت تأثیر گرفته است. او در سال ۱۸۷۷م. نشریهٔ ابونظاره را در پاریس منتشر کرد و سپس المنصف و التودد نیز به زبان‌های فارسی عربی و ترکی و فرانسوی توسط او چاپ شدند (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶: ص ۳۳۰-۳۳۴، مدخل ابونظاره).

۲. همان اسکی روی آب است.

ادب با طب سنتی و درمان خانگی مخالفت می‌کند و در نفی آن ذیل «و اذالموده سنلت بای ذنب قتلت» به پیرزنان و قابلگان به شدت حمله کرده، و آنها را مسبب از دست رفتن نوزادان تازه به دنیا آمده می‌داند و پیشنهاد می‌دهد چند زن و دختر نزد اطبای خارجه که در تهران و تبریز ساکن هستند درس قابلگی بخوانند. از تأسیس داروخانه در مشهد به جای عطاری‌ها حمایت می‌کند و طبیبان سنتی را عاری از علوم مختلفه می‌داند که برای پزشکی و تجویز دارو لازم است (همان، س ۲، ش ۳۶).

۳-۵- علم‌آموزی و ترویج معارف

مهم‌ترین هدف و آرزوی ادیب‌الممالک از تأسیس روزنامه، دغدغه‌هایش برای علم‌آموزی و توسعه مدارس است. به اعتقاد نگارنده این سطور، تلاشی که او در روزنامه‌اش برای این موضوع نموده گواه این ادعاست. ادیب آرزو داشت روزی مدرسه در همه جای ایران توسط خیرخواهان و روشنفکران بنا شود و توصیه می‌کند همه از خواب غفلت بیدار شوند و به کسب علم بها دهند (همان، س ۲، ش ۲۳). با لحنی تند به ممالک مشرق‌زمین می‌تازد، که «هنوز موقع آن نرسیده است که شما هم مثل برادر دریایی خود ژاپن سراز خواب غفلت برداشته و از سکر جهالت به هوش آمده لباس ذلت از تن به در کنید و لوث عار از دامان فرو شوید؟...» و می‌نویسد، «در حالی که ممالک اسلامی از سوی علمای خود توصیه به تحصیل علم شده‌اند، در برخی از ممالک آنها یک مدرسه موجود نیست ولی در ژاپن که یک کشور تازه متمدن شده است بیش از سه هزار مدرسه وجود دارد.» (همان، س ۱، ش ۴۷).

تبلیغ و ترویج معارف و توسعه مدارس را وظیفه خود می‌داند و می‌نویسد: «تحقیق و رسیدگی به امور معارف و مدارس را اولین درجه تکلیف و نخستین وظیفه خود می‌دانیم و در این امر که راجع به ترقی و تربیت ملت است از توضیح و تشریح حقیقت مکتونه آن دست بردار نخواهیم بود.» (همان، س ۲، ش ۴۷: ۳۷۴). در سفرش به ترکستان عکس‌هایی از مدارس یهودیان در سمرقند و بخارا با خود می‌آورد و اعلام می‌کند: «... اگر غیرتمندان آنها را مشاهده نموده و از وضع ایشان مطلع شوند شاید که خون مسلمانی به جوش آید و آب ترقی در جویبار ملت ما هم جاری شود.» (همان، س ۲، ش ۱۷: ۱۳۳).

در فضیلت علم سخن‌سرایی نموده احادیث و روایات ذکر کرده و اهمیت آن را به خوبی شکافته است (همان، س ۱، ش ۲۹). شیوع علم را باعث طول حیات معرفی می‌کند و دلیل ازدیاد جمعیت را نشر علوم می‌داند که مانع از حملات ناگهانی و امراض مهلکه می‌شود (همان،

س ۱، ش ۴۸). اخبار و مطالب روزنامه درباره مدارس قابل توجه است. مدرسه همت (همان، س ۱، ش ۱۳ و ۲۴)، دبستان ایرانیان استانبول (همان، س ۱، ش ۱۹، س ۲، ش ۲۲)، مدرسه فلاحت مظفری (همان، س ۱، ش ۲۶)، دبستان دانش تهران (همان، س ۱، ش ۱۴ و ۱۵ و ۳۳)، مدرسه سعادت بوشهر (همان، س ۱، ش ۳۸)، مدارس ژاپن (همان، س ۱، ش ۴۷)، مدرسه سادات تهران (همان، س ۲، ش ۱۶ و ۱۷)، مدرسه کمال تبریز (همان، س ۲، ش ۱۶)، مدرسه حبیبیه کابل (همان، س ۳، ش ۴)، مدرسه سادات مشهد (همان، س ۲، ش ۶، س ۳، ش ۱۴) در این روزنامه معرفی شده‌اند.

درباره مدرسه همت مشهد می‌نویسد: «... در تمام خراسان با هزار خون جگریک مدرسه مصنوعی فراهم کرده‌ایم هرچه زحمت می‌کشیم و سعی می‌کنیم که آن را دایره و مرتب سازیم نمی‌شود. مثل پالان خر دجال یک طرفش را رفو می‌کنیم از طرف دیگر می‌شکافد و دهن باز می‌کند و از قرار مثل معروف (اتسع الخرق علی الراقع) خدا می‌داند با مردمان عامی، جاهل، بی‌بصیرتی طرف شده‌ایم که جز حساب درهم و دینار چیزی در ترازوی فکرت‌شان نمی‌توان سنجد. امیدواریم که بعد از انقضای ماه صفر و تأسیس انجمن ادب به استحضار دانایان و معارف پژوهان غیرتمند هنرپرور قراری در ترتیبات و مهمات لازمه این مدرسه موسوم به همت گذارده شود که اگر بعدها کسی به خیال تأسیس مدرسه برآید با شوق تمام رغبت به اقدام نماید.» (همان، س ۱، ش ۲۴).

۳-۶- حکومت در نوشته‌های ادب

روزنامه ادب در درج وقایع و اخبار شهرها مثبت‌اندیش است و کمتر به معضلات می‌پردازد. این روزنامه هر چند دولتی نیست اما بر علیه دربار و دولت هم چیزی نوشته است. ادب حاوی اخبار بسیاری از شاه تا درباریان و حاکمان محلی است. پیام‌های شاه را به حاکمان محلی خراسان بارها چاپ کرده و در پیام‌های روزنامه حاکمان را تجلیل نموده است. ادیب شخصیتی محافظه‌کار و معتدل است^۱ و علاوه بر آن معاونش محمدصادق تبریزی که نقش مهمی در روزنامه داشته، نیز چنین رویه‌ای دارد.^۲ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که مطالب

۱. این امر البته قبل از مشروطه متصور است چون در روزنامه‌هایش کمتر مطلب جنجالی نوشته و سعی کرده بیشتر مطالب وحدت‌آفرین از طریق آثار نظم و نثرش بیافریند. و گرنه پس از آن پیوستن او به لژیون‌های ایرانیان و یا جهت‌گیری‌اش بر علیه مشروطه و یا چکامه‌هایش در زمینه‌های سیاسی شخصیت کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد.
۲. بی‌طرفان (۱۳۹۳، ۱۴) اشاره دارد که روزنامه خورشید را که تبریزی منتشر می‌کرده روزنامه‌ای معتدل و میانه رو بوده که بیشتر بر اتحاد و اتفاق تأکید داشته است.

آتشین و دردسرافزین در روزنامه چاپ کرده باشند. دست اندرکاران روزنامه آن چنان به این رویه پایبند هستند که هیچ سخنی که به رنجش دربار و دولت بیانجامد در آن مشاهده نمی‌شود. در واقعه تحصن سه نفر از بزرگان مشهد در مسجد گوهرشاد برای حمایت از دهقانان، مردم و روزنامه‌خوان‌ها توقع داشتند اصل ماجرای این تحصن را از زبان ادب بخوانند. اما روزنامه خود را بی‌خبر از اصل ماجرا می‌داند و به‌گونه‌ای آن را تفسیر می‌کند که بی‌اهمیت بوده و ملت و رعیت از دولت و ایالت کبری رضایت خاطر دارند. ادیب در مطلبی تحلیلی در این زمینه ذیل عنوان «از حقیقت هیچ‌کس آگه نشد هر کسی حرفی زجایی می‌زند»، رویکرد دقیق روزنامه را معین کرده است: «... باید بزرگان ملت این قدر ملتفت باشند که ذات محترم ایالت کبرا صورت مقدس پادشاه است و حفظ مرتبه و مقام آن حضرت را به واجب نگاه باید داشت خاصه در نظراجانب و اعادی» و ادامه می‌دهد «مختصراً می‌گویم که ایالت مظهرانوار شاهنشاهی و رعیت و دایع و خزائن الهی هستند باید نیت این هر دو با هم راست باشد و به دستگیری یک‌دیگر آب و خاک وطن را آباد و سکنه‌اش را شاد نمایند.... بدون اغماض اعلان می‌کنیم بعدها منتظر و مترصد این‌که جریده خود را، به ذکر این‌گونه حوادث خجلت‌آمیز مشحون کنیم نخواهیم بود.» (همان، س ۱، ش ۴۸: ۲۸۴).

زبان ادب در توصیف حاکمان درباری و محلی، زبان مدح و القاب دهان پرکن است. در توصیف مظفرالدین شاه نوشته است: «... چون جاذبه مغناطیسی همت همایون اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه رفع‌الله اعلام دولیه و بارقه الکتریکی ضمیر منیر شهریار هنرپرور بختیار آدام‌الله ایام سلطنت که مانند مرکز آفتاب اجرام تابعه خود را مجذوب و منور ساخته...» (همان، س ۱، ش ۱۲: ۹۵).

۳-۷- دین، اخلاق و تربیت

ادیب‌الممالک گاهی معمم می‌شده و منبر هم می‌رفته است^۱ پس توجه به مسائل دینی در روزنامه‌اش بدیهی است. او ۴۲ مقاله دینی، اخلاقی و تربیتی در ادب چاپ کرده است. دغدغه‌اش در ارائه چنین مطالبی برای جلب توجه بهتر جامعه به مسائل دینی، تربیت اطفال مؤثر و تقویت فرهنگ عمومی است. در مقاله‌های دینی «ان لا اکن صنعا» و «لباس التقوی» که در بیش از ده شماره روزنامه راجع به آنها بحث شده، با حس دینی عمیق به تبلیغ آموزه‌های

۱. وحید دستگردی در دیباچه دیوان ادیب‌الممالک عمامه‌گذاری او را سال ۱۳۱۶ق. در تبریز اعلام نموده که گاهی بر فراز منابر موعظه نیز می‌کرده است.

مذهبی چون امر به معروف و نهی از منکر، میهن پرستی، وضعیت مسلمانان در جهان، اتحاد و همدلی مسلمانان و غیره اشاره دارد. ائمه اطهار به ویژه امام حسین علیه السلام (همان، س ۱، ش ۱۹ و ۴۸؛ س ۲، ش ۴۵) و امام رضا علیه السلام (همان، س ۱، ش ۱۶ و ۲۹) مورد توجه قرار گرفته اند. در مقاله «عبرت بیکاران» به پسر بچه انگلیسی بدون دست اشاره دارد که با دهان و دندان به نقاش بزرگی تبدیل شده و آن را دست مایه نصیحت جوانانی می کند که هیچ هنر و حرفه ای را پیش نمی گیرند (همان، س ۱، ش ۲۳). در مقاله «بدنام کننده نکونامی چند» به قبح خیانت و اهمیت امانت داری اشاره دارد. با ذکر داستانی برگرفته از جریده الهلال مصر آن را تشریح می کند (همان، س ۱، ش ۲۷).

۳-۸- شعر و ادبیات

ادیب بیش از آن که روزنامه نگار باشد به شعر و شاعری شهره است. او در روزنامه هایش از این مقوله غافل نبوده و در خور موضوعات مورد بحث از اشعار خود و دیگران بهره برده است. ۴۲ قصیده در روزنامه ادب مشهد چاپ شده که بیشتر آن سروده های ادیب الممالک است و از دیگرانی چون سنایی غزنوی (همان، س ۱ ش ۱۶) و برخی شاعران معاصر و همچنین خوانندگان روزنامه نیز قصیده های پراکنده ای موجود است. برخی قصاید مندرج در ادب برای مدح و ستایش دیگران سروده شده است. مظفرالدین شاه (همان، س ۱، ش ۱؛ س ۱، ش ۱۱؛ س ۲، ش ۳۹)، نیرالدوله والی خراسان (همان، س ۱، ش ۱۰ و ۱۴)؛ امام حسین علیه السلام (همان، س ۱، ش ۱۹ و ۴۸)؛ امام رضا علیه السلام (همان، س ۱، ش ۱۳؛ س ۲، ش ۲۶)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله (همان، س ۲، ش ۲۶) در روزنامه با چاپ قصایدی مورد تمجید قرار گرفته اند. در وصف مضامینی چون وطن (همان، س ۱، ش ۱۴)؛ فقر و انسانیت (همان، س ۱، ش ۳۲)؛ نوروز (همان، س ۲، ش ۱۳)؛ علم (همان، س ۲، ش ۳۱) و یا وصف روزنامه ادب از زبان خوانندگان (همان، س ۱، ش ۲۰ و س ۲، ش ۱۶) قصایدی قابل مشاهده است. یکی از اشعار مهم مندرج در روزنامه، شعر ارفع الدوله^۱ در مجلس لاهه برای اتحاد، صلح و همدلی و جلوگیری از جنگ و خشونت در دنیاست (همان، س ۱، ش ۴۵). جز مقاله «در تاثیر سخن» (همان، س ۱، ش ۴۶) مطلب ادبی منظوم دیگری در روزنامه به چشم نمی خورد. ادیب الممالک بابت مدیحه ها و شعرها گاهی پاداش هم گرفته است. در شماره ۳۹ به مناسبت تولد مظفرالدین شاه قصیده ای سروده و

۱. میرزا رضا ارفع الدوله (۱۲۳۰-۱۳۱۶ش) در سال ۱۳۱۵ق. نماینده ایران در انجمن صلح لاهه شد. در سال ۱۳۱۸ق. لقب پرنس از مظفرالدین شاه دریافت کرد. در سال ۱۳۱۹ سفیر ایران در استانبول شده و وزیر مختار برخی کشورها نیز قبل از این بوده است. او در سال ۱۳۱۹ق. این شعر را سروده است.

چاپ کرده بود که برای آن از سوی نیرالدوله والی خراسان یک طاقه شال کشمیری لیمویی که ۱۰۰ تومان ارزش داشت، دریافت کرد (همان، س ۲، ش ۴۰).

رویه روزنامه همانند بسیاری از هم عصرانش تملق و مدح و به کار بردن القاب طولانی است که برای بسیاری از حاکمان و شخصیت‌های برجسته به کار رفته است. در وصف روزنامه تربیت می‌نویسد: «... از آن همکار محترم و استاد محترم، پیر روشن ضمیر و دبیر باتدبیر، شاعر مفلق و فاضل محقق، حکیم فطن و ادیب لسن، سحر سخن و دانای کهن، ذواللسانین و ذوالقلمین (ذکاء الملک) فروغی آقا میرزا محمد حسین نگارنده اوراق (تربیت) که مربی ابنای وطن و مشبد ارکان سخن می‌باشد...» (همان، س ۱، ش ۲۵).

ادیب و روزنامه‌اش میانه چندانی با طنز نداشته است. مطالب طنز روزنامه انگشت شمار است، که جنبه جدی دارد و در طعنه به مسائل روز است. در مقاله «دشمن دانا» که در چند شماره ادامه یافته، خرافات و اعتقادات غلط را نقد می‌کند. یا در خبر «اختراع سمعک برای ناشنویان» می‌نویسد: «بار خدایا یک نفر جوان قابل باهوش در مملکت ما برانگیز تا گوش افسانه نیوش برادران عزیز و پدران محترم ما را شنیدن مطالب علمیه و مواعظ عملیه پیران راه و سالخوردهگان طریق سامع و شنوا سازند شاید فردای از ناله‌های زار و ترانه‌های آتشبار و دردهای جانسوز و مصیبت‌های پی‌درپی ما آگاه گشته سراز خواب غفلت بردارند.» (همان، س ۱، ش ۲۱).

۳-۹- سایر مقوله‌ها در ادب

ادب مشهد ۲۳ مقاله اقتصادی درباره رویدادهای تجاری جهان، ایران و خراسان دارد که در آن از نرخ کالاها، شیوه درآمدها و عایدات گمرک‌ها و وضع غله و نان برخی شهرهای ایران مطالبی وجود دارد. نظام‌نامه «شرکت مقدسه عمومی»^۱ که یک شرکت تجاری بوده و به تازگی در ایران رونق گرفته بود را به طور کامل طی چند شماره تشریح کرده است (همان، س ۱، ش ۳۰). ذیل «لایحه وزارت جلیله تجارت» درخواست وزارت خارجه و وزارت تجارت ایران برای شرکت تجار ایرانی در نمایشگاه امتعه آمریکا را درج کرده و از تجار می‌خواهد با ارائه فهرست

۱. این شرکت که به نام‌های شرکت اسلامی و یا شرکت امتعه ایران نیز یاد شده در سال ۱۳۱۶ قمری توسط دارالخلافه مظفرالدین شاه تصویب و تأسیس شد و خیلی زود شعب آن در شهرهای دیگر ایران تأسیس شد. بیشتر به امور منسوجات می‌پرداخت هرچند طبق نظام‌نامه، کارخانه‌ها و صنایع تجاری دیگر را هم پوشش می‌داد. از آن به عنوان شرکت سهامی عام یاد می‌شد و اولین بار بود که در ایران این‌گونه شرکتی پا می‌گرفت که مردم و پیشه‌وران می‌توانستند اقدام به خرید سهام کنند.

کالا‌های خود از حق گمرک معاف شوند (همان، س ۲، ش ۱۴). در مقاله‌ای بلند درباره گمرک ایران به بررسی وضعیت آن و شرح ورود و خروج کالاها، قیمت کالاها، و نام اجناس ورودی و خروجی پرداخته است (همان، س ۳، ش ۱۱).

مقوله‌های ترقی، پیشرفت، میهن‌پرستی و شاه‌دوستی، سهم ۱۹ مقاله‌ای از روزنامه دارد. ادیب‌الممالک شخصیتی وطن‌پرست و خواهان ترقی و پیشرفت ایران و ممالک اسلامی است. در اشعار او در این زمینه قصاید بسیاری به چشم می‌خورد. ادب مشهد نیز هر چند اندک ولی تعدادی از مطالب تحلیلی را در این زمینه‌ها به چاپ رسانده است. مقاله‌هایی در باب تأسیس مدارس (همان، س ۱، ش ۱۳؛ س ۱، ش ۳۳)، ایجاد تجارخانه‌ها (همان، س ۱، ش ۳۰)، توجه به اقتصاد داخلی در روزنامه دیده می‌شود. ذیل «مکتوب شرکت اسلامی اصفهان» ادیب توضیح می‌دهد که خرید و پوشش منسوجات داخلی الزامی است و باید اطفال خود را به پوشش منسوجات اسلامی تربیت کنیم. و در ادامه ابراز شگفتی از عدم وجود مدرسه در اصفهان دارد.

در مقاله تقدیم صنایع (همان، س ۲، ش ۳۴ و ۳۵)، ضمن معرفی اختراعات و پیشرفت‌های ممالک اروپایی به عقب‌ماندگی ایرانی‌ها طعنه می‌زند. از پیشرفت‌ها می‌نویسد. خط تلگرام سراسری (همان، س ۲، ش ۳۴)؛ ایجاد بانک روس در مشهد (همان، س ۲، ش ۱۹)؛ روزنامه خواندن زنان (همان، س ۲، ش ۱۱)؛ ایجاد مدارس (همان، س ۱، ش ۱۳ و ۲۶)؛ تأسیس داروخانه در مشهد (همان، س ۲، ش ۲۳)؛ سیستم روشنایی حرم مطهر (همان، س ۳، ش ۱۰) را نشانه‌های ترقی و پیشرفت ملت و مملکت می‌داند. با تهییج سرمایه‌داران و خیرخواهان سعی در تشویق آنها به ایجاد صنایع (همان، س ۳، ش ۱۰)، مدارس (همان، س ۲، ش ۲۳) و کتابخانه (همان، س ۱، ش ۳۹) دارد.

ادب برای ایجاد راه‌آهن در ایران اصرار داشته و در مقاله‌هایی که راجع به راه‌آهن بغداد، شام و حجاز نوشته، آرزو می‌کند: «اگر تجار مملکت ما هم همت کرده شرکت مسمی به شرکت ایمانیه در مقابل شرکت اسلامیه دایر نموده و نیز هم خود را در ساختن راه‌آهن مصرف نموده و اول از تهران تا خانقین بکشند و به راه‌آهن بغداد متصل نمایند آن روز را اول روز ترقی و نیکبختی اهل ایران باید گفت» (همان، س ۱، ش ۳۸)، یا آرزو می‌کند که روزی راه‌آهن بغداد و حجاز به تمام سرحدات ممالک اسلامی متصل شود. (همان، س ۲، ش ۱۷).

در روزنامه ادب مشهد درباره ۱۲ نفر از رجال و صاحب‌منصبان حکومتی مطالب قابل توجهی

بیان شده است. زین العابدین تقی‌آف (همان، س ۱، ش ۶)؛ شاهزاده رکن‌الدوله (همان، س ۱، ش ۸)؛ صدیق‌التولیه تولیت آستان قدس (همان، س ۱ ش ۱۰)؛ شیخ ابراهیم کاشانی (همان، س ۱، ش ۱۱)؛ رسول‌بیک امین‌الرعا یا (همان، س ۱، ش ۶)؛ رکن‌الملک نایب‌الحکومه اصفهان (همان، س ۱ ش ۳۸)؛ موتمن‌السلطنه حاکم سبزوار (همان، س ۲، ش ۳)؛ ارفع‌الدوله (همان، س ۲)؛ شجاع‌الدوله حاکم قوچان (همان، س ۲، ش ۲۴)؛ میرزا محمدخان لشکر نوپس باشی (همان، س ۲، ش ۲۴)؛ شجاع‌الملک رئیس ایل هزاره (همان، س ۲، ش ۳۰) از جمله صاحب‌منصبانی هستند که سرگذشت آنها در روزنامه آمده است.

زنان از جمله موضوعات خاصی است که ادیب‌الممالک به آن توجه داشته و در مقاله‌هایی به شرح وضعیت آنها، اهمیت حضور آنها در جامعه و وظایف آنها در خانواده و اجتماع اشاره کرده است. «دشمن دانا به از نادان دوست» در انتقاد از اصول بچه‌داری و تربیت اطفال از سوی زنان ناآگاه و خرافه‌پرست (همان، س ۱، ش ۸)؛ «معشوق خوبروی» انتقاد از توجه زنان به زیورآلات (همان، س ۱، ش ۲۱)؛ «ملکه‌الجمال پادشاه نکویان» سرگذشت دختر بچه‌ای با نام لایس که از گل‌فروشی به پادشاهی رسید. از مهم‌ترین مقاله‌های روزنامه درباره زنان است. روزنامه ادب خیلی موافق زنان قابل‌خانگی نبوده و پیشنهاد شرکت برخی از آنها را در کلاس‌های طبابت و مامایی داده است. ولی نکته مهم در مطالب روزنامه درباره زنان نشان از این است که ادیب هرچند حضور آنها را در برخی مشاغل نمی‌پسندد اما روزنامه خواندن آنها را تشویق می‌کند، خواستار تقویت فرهنگ خانه‌داری و تربیت صحیح اطفال توسط آنهاست و سعی دارد انگیزش اجتماعی را در آنها تقویت کند.

روزنامه به مباحث سیاسی کم‌ترین اشاره را دارد و تنها در معدود مقاله‌هایی که از جراید خارجه ترجمه کرده در این زمینه مطلب دارد. انگلیس را به دلیل حضور در اقصی نقاط دنیا و داشتن مستعمرات بسیار، مظهر تحولات سیاسی جهان می‌داند (همان، س ۱، ش ۱۶) و رابطه دول اروپا با چین و تسلط آنها بر این کشور را از منظر سیاسی بررسی کرده است (همان، س ۱، ش ۲۴).

۳-۱۰- اعلان و اخطار

آگهی‌های تجاری روزنامه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. اعلان‌های چاپ شده در روزنامه بیشتر حاوی اطلاعاتی درباره خود روزنامه از قبیل درخواست هزینه اشتراک، معرفی نمایندگان روزنامه، غلط‌نامه‌های روزنامه، تغییراتی که در آن روی داده و یا درخواست‌های

خوانندگان است. نرخ ارزاق در مشهد (همان، س ۱، ش ۹)؛ غلط‌نامه (همان، س ۱، ش ۱۶)؛ تغییر آدرس روزنامه (همان، س ۱، ش ۲۹)؛ مراکز فروش عکس مظفرالدین شاه (همان، س ۱، ش ۳۹)؛ تاخیر در انتشار شماره اول سال دوم (همان، س ۱، ش ۴۶)؛ آموزش دندانسازی (همان، س ۲، ش ۸)؛ کارخانه صابون‌پزی (همان، س ۲، ش ۲۱)؛ درخواست واریز وجوه اشتراک سالیانه (همان، س ۲، ش ۲۵)؛ افزایش قیمت نفت در مشهد (همان، س ۲، ش ۴۳)، تعدادی از اعلان‌های چاپ شده در روزنامه است.

۴- تاثیر روزنامه ادب مشهد بر افکار عمومی

۴-۱- ادب و مخاطبانش

ادب مشهد با خواندگانش ارتباط تنگاتنگی داشته و مرتب نامه‌های آنها را منعکس کرده یا پیام‌هایی برای آنها چاپ کرده است. بیشتر نامه‌های چاپ شده از مخاطبان در روزنامه، فاقد نام و امضا است. دست‌اندرکاران روزنامه می‌نویسند: «... مردم این شهر از کسبه و اصناف و کدخدایان و رؤسا و تجار و صاحب‌منصبان نظامی و غیرنظامی و اهل قلم و طلاب و سادات و اهل منبر و ائمه جماعات و فقهای عظام و خدام آستان مقدس و اعضای ایالت جلیله و غیر ذلک از بومی و مجاور تماماً از صمیم قلب خواهان و خریدار ادب گشته و در روزهای چهارشنبه که موقع توزیع جریده است منتظر آوردن روزنامه می‌باشند.» (همان، س ۲، ش ۱۵). روزنامه‌خوان‌ها و علما درباره ادب نامه نوشته‌اند و بر منابر سخن‌رانده‌اند. یکی از خوانندگان خود را ع.ک.ب معرفی کرده، نامه‌ای برای روزنامه ارسال کرده که در ذیل «مکتوب یکی از دین‌پرستان مجاور ارض اقدس» چاپ شده، می‌نویسد: «در تمام مجالس می‌شنویم که می‌گویند این روزنامه ادب مثل سایر جراید نیست که جز به مصرف پیچیدن نسخه‌های دوا در دکان عطاری یا ساختن مقوا و جلد کتاب در دکه صحافی فایده دیگر نداشته باشد، بلکه سزاوار است که آن را جمع کرده و مدون و مرتب ساخته برای تذکره آیندگان و بی‌خبران و مطالعه اهل دانش و بینش به یادگار نگه دارند زیرا که مشتمل است بر آیات مقدسه و اخبار و احادیث شریفه و قصص و حکایات صحیحه که تمام آنها باعث ایقاظ^۱ علما و تنبه امرا و تسلیه ضعفها و ارشاد جاهلین و تأدیب^۲ اراذل می‌باشد.» و ادامه می‌دهد اگر با همین راه و

۱. بیدار کردن، آگاه ساختن.

۲. تنبیه، تربیت.

روش پیش بروید «تمام آقایان و علما مروج و هواخواه شما خواهند بود زیرا که تا امروز عقیده مردم درباره صاحبان جرید قسم دیگر بود و مطالعه روزنامه را علما جایز نمی دانستند ولی آنان که شما را دیده یا جریده ادب را مطالعه نموده اند به مصداق (لاجل بُرِیُشْرِبُ الْفُ مَرُّ) درباره منشیان سایر جرید هم حسن ظنی وافر پیدا کرده و براین معنی هم داستانشانند که مداد خامه شما با خون شهیدان برابر است.» (همان، س ۱، ش ۱۴). همچنین اشاره می کند که در ۲۴ ذی القعدة ۱۳۱۸ در مسجد گوهرشاد یکی از علمای مشهور مشهد با نام آقای حاج سیدعلی واعظ بجستانی در منبرشان که بیش از ۵۰۰ مستمع داشته درباره روزنامه ادب گفته است: «... دوام جریده ادب را از حق تعالی مسئلت نموده و فرمودند که خواندن روزنامه ادب بر مرد و زن و خرد و بزرگ ملت اسلام واجب است زیرا که مطالب آن برای همه مردم نافع و مفید است هم مردان را تربیت می کند و هم زنان را و هم اطفال را و هم جهال را...» (همان، س ۲، ش ۱۴).

با توجه به نایاب شدن برخی شماره ها در آرشیوروزنامه، خطاب به خوانندگانش می نویسد: «از آنجایی که غالب مشترکین [ادب] روزنامه را یک ساله به ترتیب جمع کرده و مدون ساخته در کتاب خانه خود می گذارند و بعضی از ایشان آنچه را که از نمره های سال گذشته کسردارند، از اداره مطالبه می نمایند که کتب ایشان مرتب شود. چون پاره از آنها در اداره موجود نیست و تمام شده، لهذا از اشخاصی که روزنامه را پس از خواندن بی مصرف دانسته، و نمره های آن را جزو اوراق باطله به مصارف غیر لازم می رسانند خواهش می نمایم که هر کدام از نمره های ذیل را داشته باشند به اداره بفرستند موجب امتنان خواهد شد. نمره ۵، نمره ۶، نمره ۹، نمره ۱۳، نمره ۲۰، نمره ۲۱» (همان، س ۲، ش ۵).

روزنامه ادب مشهد گاهی با مشترکین و خوانندگانش به مشکلاتی نیز برخورد کرده است. به طور مثال از میرزا عبدالرحیم شیرازی نام می برد که در مصر مشغول صنعت عکاسی است و سال قبل درخواست اشتراک روزنامه ادب را کرده و بعد یک سال که روزنامه ارسال شده، اعلانی فرستاده که بنده درخواست اشتراک نداشته ام و حاضر به واریز هزینه آن نبوده، ادیب از این کارش برآشفته، و طی یک مرقومه ذیل عنوان «تعجب» می نویسد: «لازم شد که محض تأدیب این گونه مردم طرار و شارلاتان نوشتجات او را عکس برداشته و به قهوه خانه ها و خانه های مصر که مقام همیشگی اوست بفرستیم که در برابر همگنان منفعلی و خجل گشته با دیگران این قسم گستاخ رویی و شوخ چشمی ننماید.» (همان، س ۲، ش ۴۸).

۴-۲- تأثیر ادیب‌الممالک بر فرهنگ و روزنامه‌نگاری مشهد

هرچند فعالیت‌های ادیب‌الممالک در مشروطه مشهد نامعلوم است، ولی تأثیر روزنامه‌نگاری ادیب و روزنامه‌ی ادب را در تحولات سیاسی و اجتماعی مشهد نمی‌توان نادیده گرفت. ادیب یکی از روشنفکران و روشنگران این دیار است (متولی حقیقی، ۱۳۹۲: ۹۵). او روزنامه‌ی ادب را زمانی در مشهد دایر ساخت که نه از روزنامه‌خبری بود و نه شخص روزنامه‌نگاری، از خراسان شهره شده بود. در فضایی که روس و انگلیس بر شهر سلطه داشتند و حاکمان محلی نیز با پرداخت پول بیشتر به دربار، حکومت را به دست می‌گرفتند، ادیب اقدام به تأسیس روزنامه کرد. «خراسان که در شعر و ادب فارسی و عربی سابقه‌ی شهرت خاصی داشته و مدارس قدیمه و محافل ادبی آن همواره به وجود استادان ادب معروف و شعرای مشهوری آراسته بود نسبت به کسب معالم تمدن جدید و اخذ معارف تازه و تأثر به آثار فرهنگ جهانی در آغاز سده چهاردهم هجری از تهران و تبریز و اصفهان به نظر عقب افتاده ترمی آمد و کابوس وحشت از ترکمان و روس و تنگ قیج بر آن سایه افکنده بود.» (محیط طباطبایی، ۱۳۵۱: ۳۷۶).

افضل‌الملک از دوستان صمیمی ادیب، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «... چون با اهل و عیال به آن جا رفتند، محض ترویج علم و اشاعه‌ی هنر و تربیت بعضی نفوس روزنامه‌ی ادب را احداث کرده، مطبوعه‌ی مطبوعه‌ای در آن جا دایر ساختند. علم پلطیک و سیاسی را به واسطه‌ی این روزنامه منتشر ساختند. با آن‌که در خراسان چندان اسباب ترجمه و مطبوعه و تربیت اجزاء مناسب در کار نبود، ایشان طوری این عمل را اداره کردند که اسباب حیرت جماعتی از خواص شد. الحق روزنامه‌ی ایشان محل اعتنا و اعتماد خارجه و داخله گشت... ایالت خراسان و حکام آن سامان کمال مهرا به ایشان دارند و در خراسان کارشان نیکو از پیش رفته است.» (افضل الملک، بی تا: ۵۶-۵۷).

قبل از ظهور ادب روزنامه‌خوان‌ها روزنامه‌ی حبل‌المتین و برخی روزنامه‌های دولتی را می‌خواندند و با آمدن ادب شور و شوق آن‌ها بیشتر شد. تحت عنوان «مکتوب یکی از دانشمندان وطن» آمده است: «... امروز که اندکی دیده بینش ما را بعد از فضل خداوند مطالعه روزنامه‌جات منطبعه در ممالک، نوری داده و ضیایی بخشیده است هر روز می‌خوانیم که فلان دولت به فلان درجه از تمول نائل و کدام ملت را چه مقدار ترقی و ترویج حاصل گردید...» (ادب، س ۱، ش ۸). این نکته را ولایتی در بحث تأثیر روزنامه‌ی ادب بر مردم مشهد چنین بیان کرده است: «تأسیس و نشر ادب زیر نظر سخنور و نویسنده‌ی برجسته‌ای چون ادیب‌الممالک، که

از حیث دانش و فضل و خط و ربط در ادب فارسی و عربی انگشت نما بود، در محیط آن روز مشهد برای تربیت نسل جوان و تشویق آنان به نویسندگی و گویندگی و برانگیختن افراد مستعد تأثیر فراوانی داشت.» (ولایتی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

تا زمان تأسیس ادب در مشهد نامی از روزنامه نگاران خراسانی در تاریخ مطبوعات ایران نمی بینیم. شخصیتی چون صادق خان تبریزی قبل از معاونت ادیب، نوشته که بیست سالی در پست خانه، موزع روزنامجات بوده و احتمال می رود به همین دلیل ادیب او را در روزنامه اش به کار گرفته باشد. آن چه مشخص است این که، تجربه سه ساله همکاری تبریزی با روزنامه ادب در سال های بعد برای ورود مستقیمش به عرصه روزنامه نگاری خراسان بی تأثیر نبوده است. روزنامه های خورشید و بلدالامین توسط او اداره و منتشر می شدند.

در سال های بعد، ظهور روزنامه نگارانی چون ملک الشعرا که در این زمان در ابتدای سن جوانی است، می تواند حاصل انگیزش های ادیب باشد. استاد محیط طباطبایی به همین نکته اشاره دارد: «شاید تأثیر وجود ادیب و انتشار ادب او در تحول فکر و ذوق و استعداد و توجه محمدتقی بهار فرزند ملک الشعرا صبوری از فیروزه تراشی و نقاشی و کارهای دستی که در پی آنها رفته بود، به سوی شعر و نشر و ادبیات بیش از هر عامل دیگری که فرض شود، صاحب اثر بوده است.» (۱۳۵۱: ۳۷۶-۳۷۷).

روزنامه ادب علاوه بر روشنفکران، قشری مثل زنان و کودکان را هم تحت تأثیر قرار داده بود. جمعیت روزنامه خوان هرروزه فزونی می یافت و ادیب خشنود از این توجه، گاهی در روزنامه اش این اخبار را منعکس می کند. ذیل عنوان «ربابه خانم روزنامه گوش می دهد» به دختر ۹ ساله ای اشاره دارد که گربه ای دست آموز داشت و بسیار دوستش می داشت. هیچ کس حق تعرض به او نداشت. ربابه مدافع کارهای خوب و زشتش بود و گربه که این را فهمیده بود سوءاستفاده می کرد. تا این که ربابه به جمعی رفت. همسن و سالانش روزنامه ادب را می خواندند و مقاله «حفظ صحت» را شنید و در پی آن گربه را از خود دور کرد. نویسنده نتیجه می گیرد «... الحمدلله ربابه خانمی داریم که به روزنامه گوش می دهد و به فحوی آن رفتار می کند و می توان امیدوار بود که انشاءالله تعالی امثال ربابه خانم زیاد می شوند...» (ادب، س ۲، ش ۱۱).

ادیب الممالک در عین تجربه و تبخردر زمینه شاعری و روزنامه نگاری، شخصیتی متین و متواضع داشت. او که خود وضعیت روزنامه نگاری و روزنامه خوان ها را به ویژه در مشهد می بیند با خوانندگان حرف می زند. در مقاله ای بلند فن روزنامه نگاری را تشریح کرده و مشکلات و

سختی‌های این حرفه را می‌نویسد. اشاره به برخی از مطالب آن خالی از فایده نخواهد بود. «این اوراق که از اداره ما نشر و خارج می‌شود اسماً روزنامه است نه رسماً... این مسئله بر مردم شبهه شده است که می‌گویند روزنامه باید در ممالک متمدنه نشر شود. زیرا در اماکنی که تمدن شایع است مردمانش کمتر محتاجند که تربیت و تحصیل را از روزنامه فراگیرند و با وجود شیوع انواع علوم و کثرت مدارس و وفور ارباب کمال از این‌گونه استفادات مستغنیند و فقط روزنامه خواندن مردم برای تفنن و گذرانیدن وقت و استفاده بعضی اخبار و وقایع فوری است. برخلاف مملکت ما که سکنه آن به هیچ وسیله و سببی نمی‌توانند خود را خبرت و بصیرت دهند یا تربیت و معرفت فراگیرند. پس در چنین مملکتی روزنامه را باید با چندین شرط دایر نمود: اولاً هر روزه طبع شود. زیرا اگر به هفته و دهه و شهر مقرر باشد آن هنگام که جزء تالی برسد مندرجات صحیفه سابق فراموش شده است، ثانیاً عده اوراق فراوان باشد و اقلماً روزی پنج‌هزار نسخه از هر نمره منطبع گردد. و این دو شرط به استعانت مطبعه سربی محقق نپذیرد. ثالثاً در مملکتی که روزنامه منحصر به سه و چهار باشد باید هریک از این‌ها اختصاص به فنی داشته و از طریق مخصوص مذاکره نماید و یکی از آنها جهت جامعه و برزخ تمامی یعنی فصل مشترک بوده جامع هرگونه معارف و زخارف و شامل اشکال و تصویرات علمیه و تاریخیه باشد... رابعاً روزنامه باید به اندازه ارزان و سبک قیمت باشد که هریچاره و بینوایی بتواند آنرا عاجلاً خریداری کند. تحقق این شرط منوط است به وجود اعانه از طرف ملت... خامساً روزنامه باید مسلم کل و مقبول جماعت و پسندیده دولت و ملت باشد... سادساً روزنامه باید در موقع مخصوص و ساعت معین نشر و توزیع شده بی تأخیر به مشترکین صفحه عالم باز رسد...»

باری روزنامه دارای هیچ‌یک از شرایط مذکوره نیست. اما چه باید کرد که ما فعلاً مشق روزنامه‌نویسی می‌کنیم و می‌خواهیم شما را به گرفتن روزنامه مأنوس کنیم. و کم‌کم بخواندن آن انس پیدا کنید. یک وقتی می‌رسد که شما تریاکی روزنامه بشوید و لذت آن را بفهمید و خاصیت آن را بدانید و ما هم انشاءالله دستی از آستین بیرون آریم و داد خدمت‌گذاری و وطن‌پرستی را بدهیم. عجلتاً نه شما روزنامه خوانید و نه ما روزنامه نویس.

من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش

... اگر روزنامه نباشد ملت و وطن ترقی نخواهد کرد... خیلی خوب حالا می‌خواهیم بنویسیم. از چه مقوله باید نوشت؟ سیاسی بنویسیم! از سیاسی کجا؟ برای کی؟ چگونه؟... در داخله نه سیاسی داریم و نه حق مداخله در این باب... در خارجه اولاً در صورتی که سرخودمان را نمی‌توانیم ببندیم به سر عروس چکار داریم... ثانیاً سیاسی آنها آن چه بما راجع است خبر نداریم ثانیاً نمی‌توانیم بنویسیم... و آنچه راجع نیست نوشتن آن فایده ندارد. پس سیاسی نباید نوشت و دور این مسئله را باید قلم گرفت حالا چه بنویسیم؟ اخبار! اخبار کجا؟ داخل یا خارج؟... آیا بینیم وقایع دهشت‌انگیز



فارس و حوادث وحشت‌آمیز کرمان بدبختی مظلومان بدست نیاید و جلو طمع ظالمان سد نخواهد شد... علی‌هذا نشر اخبار هم جائز نیست... بسیار خوب... واعظ غیر متعظ می‌شویم... پند و اندرز می‌گوییم... ظالمان را از غضب الهی می‌ترسانیم... مظلومان را به فتوحات غیبی بشارت می‌دهیم... پیشوایان را به بانک اذان از خواب بیدار می‌کنیم... لشکریان را به صدای شیپور پنبه از گوش به در می‌کنیم... آن وقت خودمان چه خواهیم شد؟ مردود خلاق، مبعوض طبایع، نامحرم اسرار، مکثار و مهذار، یاوه‌سرا، فضول محله، هاذم اللذات، مفسد بی‌غرض. اگر واقعا بتوانیم آنچه گفتیم و نوشتیم بگوییم و بنویسیم باز خوبست. اما چه فایده. نمی‌شود گفت نمی‌شود شنید. به دلیل این‌که از دو طایفه تکلیف ما نیست که ابدأً به خوبی یا به بدی اسم آنها را ببریم یکی اولیای دولت قاهره... دویم پیشوایان ملت باهره... آمدیم برسرنمرقه وسطی یعنی طبقه تجار و اعیان. این طایفه نیز برزخ و فصل مشترکند ما بین آن دو فرقه ناحیه و شعبه مقدسه و دو سلسله مفرغه... سایرین هم که از آنها به (سوقه) و رعیت و عوام الناس تعبیر کنیم و در طبقه مادون واقع شده‌اند غالباً با نفوس مقتدره فوقانیه خود بستگی دارند و در حمایت ایشان واقفند... پس به بقال نباید گفت که ماست شما ترش است... به نانوا نشاید اعتراض کرد که نان شما پراز ریگ است... به قصاب نمی‌شود گفت که گوشت شما خیلی استخوان دارد... به علاف نمی‌توان ایراد کرد که هیزم شما تراست... اگر چه ابناء وطن می‌پسندند و همیشه می‌خواهند کسی از مردم در برابر آنها بد بگویند و ایشان لذت ببرند... تکلیف ما نیست که قبایح را پرده‌پوشی کرده محاسن ابناء وطن را منتشر سازیم... فعلا منتظریم که شخص غیرتمندی به امور خیریه و باقیات الصالحات اقدام کند تا محض تشویق رقیبان و ازدیاد رغبت وی نام آن مرد را بر صحیفه ابد و صفحه ادب ثبت کنیم. شرطش این است که برادران وطن این مسئله را حمل به تملق نفرمایند...» (همان، س ۲، ش ۲۸).

سخن پایانی

روزنامه ادب مشهد زمانه‌ای از این شهر را به تصویر می‌کشد که به لحاظ فرهنگی وضعیت مناسبی وجود ندارد. این شهر تبعیدگاهی برای رجال تهران، تبریز، اصفهان و... بوده که حکومت تاب تحمل آنها را نداشته است. ادیب‌الممالک را به حق باید روشن‌ضمیری نام نهاد که به هرترفندی بوده حاکمان محلی و حتی کنسول‌گری‌های روس و انگلیس را مجاب کرده که برای روزنامه‌اش مجوز صادر کنند. ادب هر چند رویه محافظه‌کارانه‌ای دارد اما تأثیر آن بر روشنگری و مشروطه‌خواهی مشهدی‌ها در سال‌های بعد قابل چشم‌پوشی نیست. ادیب‌الممالک فراهانی پدر مطبوعات خراسان و پایه‌گذار روشنفکری این خطه است. اگر

کیفیت ادب مشهد هم‌ردیف دیگر روزنامه‌های این زمانه در سایر بلاد نیست ولی برای مشهد و فرهنگش به‌گونه‌ای دیگر است. ادیب نخستین شاعر روزنامه‌نگار ایران است که زمینه ورود دیگر ادیبان و شاعران را به این عرصه هموار نمود. ادب مشهد روزنامه فوق‌العاده معتدلی بوده که اصلاً از حیطة ادب خارج نشده و سخن پوچ و گزافه حک نکرده است. ادب مشهد مروج روزنامه‌خوانی، مروج توسعه مدارس جدید، صنعت، علوم مختلف و میهن‌پرستی است. نام ادیب و اندیشه‌اش هرگز از بام فرهنگ خراسان حذف نخواهد شد. تأثیر ادب را در اولین روزنامه‌های پس از آن در مشهد، باید با دقت بیشتر مورد تأمل قرار داد.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). مشروطه ایرانی، تهران: اختران.
- افضل‌الملک، غلامحسین (بی‌تا). سفرنامه خراسان و کرمان، روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله (اهتمام کننده)، تهران: انتشارات توس.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، ج ۲، تهران: زوار.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۲، تهران: نشر دانشگاهی.
- تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴). دانشمندان آذربایجان، تهران: مجلس.
- تسلیم جهرمی، فاطمه و امیریان، طیبه (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مضامین سیاسی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی و معروف‌الرصافی»، مجموعه مقالات ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دستگردی، وحید (۱۳۱۲). دیوان کامل ادیب‌الممالک فراهانی، تهران: ارمغان.
- رئین، اسماعیل (۱۳۵۷). فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- روزنامه ادب تبریز، مشهد، تهران، موجودی آرشیو مطبوعات آستان قدس رضوی.
- روزنامه کاوه (۸ آذر ۱۲۸۶)، راجع به روزنامه ادب، س ۲، ش ۲۰.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴). تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان: کمال.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۳). «ادیب‌الممالک فراهانی، سخنور دوران بیداری» رودکی، س ۴، ش ۴۱.
- قاسمی، سید فرید (۱۳۸۶). محمد صادق حسینی: ادیب‌الممالک فراهانی، تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی.
- کمالی، مریم و حاجی حیدری، حبیب (۱۳۹۰). احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه، تهران: علم.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج ۱-۲، تهران: انتشارات آگاه.

کیوانی، مجدالدین (۱۳۹۵). «ادیب‌الممالک فراهانی: شاعری در گذار از سنت به تجدد»، مجله دیار، شماره ۱.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۹۲). تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۲، مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌ها. مجدالاسلام کرمانی، احمد، روایتگر مشروطه، تهران: علم.

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۵۱). «بهار روزنامه‌نگار»، راهنمای کتاب، س ۱۵، ش ۵-۶.

موسوی بجنوردی، کاظم (زیر نظر) (۱۳۶۷). دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

موسوی گرمارودی، علی (۱۳۹۱). ادیب‌الممالک فراهانی، تهران: خانه کتاب.

ناهدی آذر، عبدالحسین (بی‌تا). تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام مجموعه روزنامه ناله ملت، بی‌جا: بی‌نا.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۱). ادیب‌الممالک فراهانی، تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی.

<p>اداره روزنامه ادب مکتب مقدس - کوچه باغ عربی درخواست هر یک میزادق خان ادبالممالک هفته یک مرتبه طبع و توزیع میشود بعلاز قبول نموده سیم اسامی بیشترین در دفتر اداره ثبت میشود دوماه ششم وجه در یافت میشود</p>	<p>ادب</p>	<p>وجه اشتغال سالنامه در مکتب مقدس دو تومان در شماره بلاد و غیره پستان ۲۰ قران در حفظ و روسیه ۱۰ منان در ممالک عثمانیه ۳۰ مجیدی دو هند و سنان ۱۰ روپیه در شماره بلاد اروپ ۱۲ فرانک قیمت اعلان سطحی یکقران است</p>
<p>تاریخ چهارم رمضان ۱۳۰۱ - ... ماه فروردین ۱۳۰۱</p>		

<p>دو نام است علی ادب سبایی و تجار و نارنجی - هر کویله میفرماید که من با او بودم و بنا بر آن در این مصادیح میبود</p>	
<p>(فهرست مصلحتها)</p>	
<p>دیناچه منظوم اثر خاتمه نگارنده برگسرام که کوز دست گزاید لا تقبل بشری ولكن بشریات چین و اروپا ... شرح مآثر هانوفی ... ادب بعضون بالاکبرتها و هی غافله ... اخبار</p>	<p>دوران نامکلاز از هر تر و خشک بیاید ناف جهان زامشک ایا خواجگه از او دوست و بود چنان تو و شناخت دود بر آن پیشکار جو اتم کرد تو بر انداخته ناز پر کرد تو بر آن پیشوایان باهتر و داد کرد و ناز و سپهر یزدان شواد همه ذرات نافع و نفع تواند هدیه و هبای در دست تواند یوز و علی بن موسی که هست مژد از من هر شایسته است بر دامنان بر زمینش نیاز کد کبیر دد اسنا قش نماز</p>
<p>بسم الله الرحمن الرحیم</p>	
<p>چون از از کینه در باز کرد بنام خدا نامه آغاز کرد خدا شیکه در معروض افروید بر آن دی با سر و ش افروید دو از ایاز شایسته خود سخنان از وی دانش نمود سگ خسته از زبان چن کرد ق کلک ناز او د کنت کرد ادو بافت شکور یزدان است کلید کفر دانش بدست عده چراغ خود کس تران خلد و نوسالار پیگه بران کد با نامه استغاثی خالک فرود آمد از نود یزدان پالک</p>	<p>بفت روی این نامه ز ساختم باشد شایسته نکتد پروا خنک کد او د گجهان پادشاه است ز بزرگ اختر پناه مژ است هر کد که مکتب شتو او نفس بودم درم ازین چاه نونک نمودم مژ این پادیه نامه شتا کد او زنده سامند بنیروی پیش مژان لادم از مشرکان بچ و دست کم نازد این شمع کهن</p>

تصویر شماره ۱



<p>دو شهید، دو نجات، ملاشهر، دو ناله، قرآن دو سابر بلاد، عروس، ایران - ۲۰۰ خراب دو صفای زود و بد بیکه - ۰۰ منات دو مالک، عتبات، رومس - ۰۰ جیدک دو ماه ششدر، و چه سالها نه کد بافته بشود دو هفت دو سنان - ۱۰۰ دهن دو سابر بلاد اروپ - ۱۰۰ فرانک دو کویا، عتبات، کد کد، کد کد، کد کد، کد کد</p>	<h1 style="text-align: center;">ادبک</h1>	<p>بد مقدمتس - کویه مکند شود خانی مکند - میرزا صادق خان (ادبک) دو صادق خان، میرزا صادق خان دو ماه ششدر، و چه سالها نه کد بافته بشود دو هفت دو سنان - ۱۰۰ دهن دو سابر بلاد اروپ - ۱۰۰ فرانک دو کویا، عتبات، کد کد، کد کد، کد کد، کد کد</p>
<p>نصرت بر ترقی مردم اروپا که عسارت یکدیگر بالا گرفتند و عسارت سامیه و سزای غایبه صورت میمانند بر خلاف تزلزل مردم اسپانیا که بواسطه بلخوابی و کد کد همگی با خاک یکسان میشوند. ادبک خواننده این نام</p>	<h2 style="text-align: center;">فهرست درجا</h2>	<p>دو کویا، عتبات، کد کد، کد کد، کد کد، کد کد دو ماه ششدر، و چه سالها نه کد بافته بشود دو هفت دو سنان - ۱۰۰ دهن دو سابر بلاد اروپ - ۱۰۰ فرانک دو کویا، عتبات، کد کد، کد کد، کد کد، کد کد</p>

تغییر در تقابل

صیفت ترقی اهل اروپا

از غایت کسب ثروت
 تقاضای اشتغال و کسب ثروت

تصویر شماره ۲